

جفر جامع و نور لامع

نگارنده این کتاب حسن میرجانی طباطبائی غفرله گوید بر طالبین جفر پوشیده ننماید که از مطالعه
موانعی که لغزشگاه مهم و مانع از وصول به سرار حروف است پرنگاه اشراک حروفست بلکه اگر در
مکام گرفتن مستحکم چه بسیار میشود که دو حرف با هم شریک میشوند مکام التقاط حروف برای استخراج
که گردنه مسبب العبوری است برای او بخوبی که بجزر حیلند آنچه را که موفقی شدم برای راه خلاص از
این گردنه و حل این مشکل اینست که دو حرف مشبه بحباب با یکدیگر عدد بگیرند و با هم جمع کنند و حاصل را
در خود ضرب کنند و حاصل ضرب را نیز در باره در خود ضرب کنند و نه نه طرح کنند بعد از طرح هر چه باقی ماند
آن حرفی است که اشراک قبول نمیکند در این قاعده نیز برکن که بسیار قاعده بزرگ صحیحی است
هر چند این علم شریف را قواعد بسیاری است و طرق بسیاری و هر کدام از صاحبان این فن بطوری
خاص طریقی فرموده در ای تبان یافته اند و جمع بسیاری هم بدرون مدتی دشمن این علم بوده و هستند
و اوراق پاره ای زیادی از خود با خلکی انتشار داده و موجبات سرگردانی بسیاری شده اند که کمتر ضرر
آن سپوده وقت گذرانیدن بوده و هست و از این باب مسئولیت عظیمی گردن گیر آنهاست لکن اصل
این علم بر بنای صحیحی است که بسیاری از بزرگان به آن دست یافته و از جهت اینکه با دایره احاطه
نظام و معینه عوام گردد طریقه اخذ مستحکم آنرا مخفی داشته اند و از اشخاص نالایق نگذاشته اند زیرا که ارباب
طبع بسیار و در طرق جهالت بسیارند از این راه حکم المرء عدو له اجماعه با کسی که سالک این طریقه
بحکم آنکه به آنها تعلیم داده نمیشود و صاحبان این علم را به فایده گوئی و انتقاد خود قرار میدهند و بگفتنی
که باشد آری دشمن طاموس پروا بهی اوست حضرت امیر مومنان علیه السلام در جواب استلام سعاده
از آنحضرت میفرماید ان الحكماء كتموها لكيلا يبلا عجب به الناس يعني حكما كتمان كردند آنرا
تا مردمان با آن بازی نکنند و در حال صحت و تولد این کتاب در نظر گرفتن قاعده مضبوطه ای
که نتیجه زحمات چندین ساله اینجانب است که بر اساس حکم علمی استوار و دو تا چهار تا در این باب از خود
در صفحه رزگار بیا دگار گذارم هر چند برخلاف رویه گذشتگان باشد و آن قاعده القیالات است
که در تشریح و توضیح آن احدی بر من سبقت گرفته و بی پرده سخن نگفته چنانچه اشخاص مبدعی هم
نه الحجه ارتباطی دارند این معنی را تصدیق خواهند کرد ولیکن پس از مطالعه و بررسی کردن آنچه که
در این کتاب در این باب می نویسم اکنون شرح و بیان این قاعده شریفه را که شغل است بر چهار مقدمه
و دو باب و یکجمله بمعرض عرض علاقمندان میگدارم غرض نقشی است که ما بزرگان می بینیم

مُقَدِّمَةُ الْفَرْقِ

بدانکه جفر در زبان اهل فن علمی است که بآن شناخت می شود احوالات حروف ابجدی نیست
 هست گمانه بیکدیگر برای تحسین ثمرات مجمله و فائده آن دانستن وقایع و حوادث مجمله و امور
 مبهمه است از گذشته و حال و آینده که آنها حاصل نمیشود مگر بدانشن احکام احوالات حروف
 بیکدیگر و موضوع ان حروف بیت و شگانه ابجدی است

مُقَدِّمَةُ ثَانِيَةٍ

احوالاتی که در این علم باید دانست و احکام عمل بکار برد بر سه قسم است اول احوالات
 کلی جامع در قسم احوالات عنقری نسق و احوالات مرتبه ای و شرح این قسم
 احوالات در سه فصل بیان خواهد شد فصل اول که احوالات کلی جامع است که
 که حروف بیت و شگانه ای که بیکدیگر احوالات پیدا میکنند مثل میثوند بر هفتصد و شصت و چهار
 صورت که از ضرب بیت و هشت در بیت و هشت حاصل میثوند زیرا که حروف ابجد بیست و هشت
 میباشد و هر یک از آنها بیت و هشت قسم احوالات پیدا میکند لهذا از ضرب بیت و هشت در هشت
 حاصل ضرب هفتصد و شصت و چهار میثود و بهین جهت است که این احوالات را احوالات کلی
 جامع میگویند - برای اینکه عدد آن معلوم باشد و هنگام عمل معطل نمائی بجدول زیر نظر نما

ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح
۲۱	۵۴	۸۴	۱۱۲	۱۴۰	۱۶۸	۱۹۶	۲۲۴
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع
۲۵۲	۲۸۰	۳۰۸	۳۳۶	۳۶۴	۳۹۲	۴۲۰	۴۴۸
ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ
۴۷۶	۵۰۴	۵۳۲	۵۶۰	۵۸۸	۶۱۶	۶۴۴	۶۷۲
	ذ	صن	ظ	ع			
	۷۰۰	۷۲۸	۷۵۶	۷۸۴			

و نیز برای سهولت در عمل جدول طرح درجی اتصال کتی را نوشته تا واضح باشد

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
۲۸	۲۶	۲۴	۲۲	۲۰	۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰
ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر
۱	۶	۴	۲	۳۰	۲۸	۲۶	۲۴	۲۲	۲۰
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ		
۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰	۸	۶	۴		

اتصال کلی دو طرح دارد یکی طرح درجی یکی طرح منازلی چنانچه شرح داده خواهد شد
برای سهولت و آسانی عمل جدول طرح منازلی هم در صفحه پشت شرح داده میشود در نظر بگیرید

جدول طرح منازلی

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر
۲۰	۲	۱۲	۲۲	۴	۱۴	۲۴	۳۴	۱۶	۴
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ		
۲۰	۸	۲۴	۱۲	۲۸	۱۶	۴	۲۰		

این دایره و دایره ای پشت این صفحه در اتصال جامع کلی بکار میاید برای طرح درجی و منازلی

دایره طبعی

التی	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
الی	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ
خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

این دایره در اتصال طبعی بکار میاید و طرح آن طرح افلاکی است

فصل سوم

باید دانست هر حرفی که بحرف دیگر متصل شود باعتبار طبیعی که دارند احکامی برای آنهاست که باید که باید استخراج آنها را بدانند تا در وقت عمل سرگردان ننمایند و این اتصال را اتصال طبعی و غرضی گویند زیرا که حروف بیست و ششگانه هفت حرف از آن آتشی و هفت حرف بادی و هفت حرف آبی و هفت حرف خاکینند که دایره املی بالا از آن تشکیل داده شده و آنها از ضرب چهار در چهار شانزده صورت حاصل ضرب پیدا میکنند باعتبار مماثل بودن و موافقی بودن و مخالف بودن و ضد و نقیض بودن فلذا بواسطه اختلافی که دارند بعضی طالب و مطلوب و بعضی موافق و بعضی ضد و نقیض و بعضی مخالف با یکدیگرند برای مزید آگاهی جدول آئینده را در صفحه بیست و چهار ترسیم نمودم

جدول طبایع حروف با همدیگر							
آتش و آتش	باد و باد	آب و آب	خاک و خاک	آتش و باد	باد و آتش	آب و خاک	خاک و آب
موافق	موافق	موافق	موافق	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب
آتش و خاک	خاک و آتش	باد و آب	آب و باد	آتش و آب	آب و آتش	باد و خاک	خاک و باد
مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	ضد و نقیض	ضد و نقیض	ضد و نقیض	ضد و نقیض

فصل سوم

از جمله آنچه که برای استخراج در این قاعده لازم است دانستن آن احکام اتصال قریبه است و آن عبارت است از اتصال آحاد با آحاد و عشرات با عشرات و مئات با مئات و الف با الف و این مراتب چهارگانه بچهار قسمت منقسم میشوند و از ضرب چهار در چهار شانزده صورت حاصل ضرب میشود و احکام هر یک از القالات ذکر کرده خواهد شد انشا الله تعالی شأنه

مقدمه چهارم

در کیفیت و آداب سؤال کردن و آن ششگانه است بر چند امر اول سؤال را با رعایت روز یا شبی که سؤال میشود بنام مکان سؤال بحروف مقطعه بنویس همه را در یک خط ردیف خور با کلمات حروف که این عمل را اهل این فن در اصطلاح خود در قسم گویند در قسم رفسم مندی هر یک را بحباب بجد گیر در زیر آن مرتب بنویس پس از آن همه اعداد در قهرا را جمع کن این حاصل جمع را مدخل یکدی بنامند مسقیم اعداد در قهرا حروف سؤال را تترتیل

بده یعنی عشرات حروف آن را در ده با حاد کن و مئات را در ده عشرات کن و الف را در ده با ت
 کن چهارم هر یک از اعداد ارقام حروف را بزیاد کردن یک مرتبه ترقی بده و آنرا جمع کن و
 حاصل آن جمع را مدخل وسط مینامند لکن باید رقبای اعدادی که در گرفتن مدخل صغیر تزل
 داده شده بحالت قبل از تزل گذارد یعنی اگر از عشرات بوده بهمان حال باقی باشد و اگر از
 مئات بوده بحال مائتی باقی باشد و اگر الف دارد چون قابل تزل نیست آن را در حساب کرد
 و آنچه در مدخل صغیر بهمان احوال باقی بوده آنرا نیز ترقی باید داد پنجتم پس از آن دو
 حاصل جمع اعداد مدخل صغیر را با حاصل جمع اعداد مدخل وسط را جمع کن حاصل جمع
 این دو مدخل را مدخل کبیر گویند ششم پس از آن اعداد چهار مدخل را بترتیب
 کن پس از استطاق و موقوفی کردن آن اعداد هفتم کمرات سطر سوال را که
 سطر اول عمل بوده بیدار و آنچه غیر کمرات است به آخر سطر استطاق ملحق کن و همه را
 یکسره کن بترتیب این سطر را سطر اساس گویند تا اینجا همه مقدمه بود برای تشکیل
 این سطر هشتم بعد از اینکه سطر اساس را منظم کردی در زیر هر حرفی از آن نظیره
 ابجدی آن حرف را بنویس و سطر نظیره را تمام کن

و بدانکه هر حرفی در دایره ابجد یا نهم حرف آن نظیره آن حرف است مثلاً حرف الف
 در ابجد نظیره آن سین است و بالعکس و نظیره باغین است و بالعکس و بکذا باقی حروف
 جدول نظیره ابجد را از این قرار آید

اسا	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ل	م	ن
نظیره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ث	ث	خ	ذ	ض	ظ	ع

ششم پس از آن سطر نظیره ابجدی را از دایره ایقاع نظیره بگیر و در دایره ایقاع نیز
 حرف یا نهم آن نظیره همان حرف است و بالعکس و دایره ایقاع این است

اساس	ا	ی	ق	ع	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
نظیره	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ

و هفتم سطر نظیره یعنی را نظیره اصلی بگیر بهمان نحو که گفته شد که حرف یا نهم نظیره آن حرف است
 و بالعکس و دایره اینست چنانچه قبلاً هم نوشته شد

اسا	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
نظیره	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

تبصیر

برای اینکه زحمت عامل کمتر باشد جدول زیر را تنظیم کردم که در وقت نظیره گرفتن مجابج
بذاتره ابجد واقع و اعظم باشد و این جدول نظیره مطبی است که از ایقاع گرفته شده و نظیره
از نظیره ابجد معروف گرفته شده که این جدول نظیره نظیره نظیره است برای اساس که بعد از تنظیم
سطر اساس فقط از این داتره نظیره گرفته شود مقصود حاصل است (و داتره اینست)

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظيره	ض	ص	ث	خ	ح	ن	ق	ل	د	ا	ب	ر	م	
اساس	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	
نظيره	ع	ت	ظ	غ	ذ	ف	ط	ی	س	ش	م	د	ک	ج

برای تقریب بذین و خوب واضح شدن مقدمه قبل شالی ذکر میکنم تا خوب مطلب واضح شود
مثال در دو ساعت از روز جمعه گذشته سوال کردم (چکنم که سعادت یابم) سوال را

تقسیم کردم باین کیفیت	چ	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	دو	
اعداد ابجد کبیر	۳	۵	۴	۵	۲	۵	۶	۷	۴	۱۰	۲	۴۴	
ابجد صغیر	۳	۵	۲	۴	۵	۶	۷	۴	۱۰	۲	۴	۴۴	
ابجد وسطی	۳	۵	۲	۴	۵	۶	۷	۴	۱۰	۲	۴	۴۴	
اعداد ابجد کبیر	س	ا	ع	ت	ز	و	ج	م	ع	ه	ط	ر	ان
ابجد کبیر	۶	۷	۱	۴	۲	۷	۶	۳	۷	۴	۵	۹	۵۱
ابجد صغیر	۶	۷	۱	۴	۲	۷	۶	۳	۷	۴	۵	۹	۵۱
ابجد وسطی	۶	۷	۱	۴	۲	۷	۶	۳	۷	۴	۵	۹	۵۱

مدخل ابجدی ۲۰۸۰
مدخل صغیر ۲۸۰
مدخل وسطی ۲۸۰۰
مدخل کبیر ۳۰۸۰

با سقاط از داتره از داتره چهار مدخل از این قرار است
 ابجد ۱۰۸۰
 صغیر ۲۸۰
 وسطی ۱۸۰۰
 کبیر ۱۰۸۰
 مغربی ف غ ف ر ض خ ف غ

یازدهم باید از سطر مستحضره مستحضره گرفته شود بقاعده انفالات سه گانه (الحی جامع و
طبیعی غیری و مرتبای) بطریقی که نموده میشود باید از برای هر حرفی چهار حرف محصل گردان
معنای شری که بعضی از اهل فن گفته اند بعنیت چهار کن هر حرف خود را شود مستحضره بود
آسان و کیفیت اخذ چهار حرف برای هر حرفی را در باب اول شرح خواهم داد و نشان دهم

مداخال رعبه	ابجدک	۱۰۸۰	صغیه	۲۸۰	وسیط	۱۸۰۰	مضل کیس	۱۸۰
استنظاف	ج ه ل ت ن م س ع ا د ت ی ب و ز ر ط	۱۰۸۰	ف ر	۲۸۰	وسیط	۱۸۰۰	مضل کیس	۱۸۰
خیز کر و در و ستوال	ج ه ل ت ن م س ع ا د ت ی ب و ز ر ط	۱۰۸۰	ف ر	۲۸۰	وسیط	۱۸۰۰	مضل کیس	۱۸۰
سطر اساس	ف غ ف ر ص غ ف غ ج ه ل ن م س ع ا د ت ی ب و ز ر ط	۱۰۸۰	صغیه	۲۸۰	وسیط	۱۸۰۰	مضل کیس	۱۸۰
سطر نظیره ابجدی	ج ن ج و ل ن ج ن ف ت ذ غ ظ ا ب س ص ح خ ع ر ش و ث	۱۰۸۰	صغیه	۲۸۰	وسیط	۱۸۰۰	مضل کیس	۱۸۰
نظیره ابجدی نظیره بیکه	ذ ا ذ ق ح ا ذ ا ش و ج س ه ن خ غ ت ل ب ر ع ف ق ی	۱۰۸۰	صغیه	۲۸۰	وسیط	۱۸۰۰	مضل کیس	۱۸۰
نظیره اصغر نظیره معتق بیکه	ظ ج ظ ف و ج ظ ج ث ح ا م ن ع ت ص خ ی د ص ن ق ف ل	۱۰۸۰	صغیه	۲۸۰	وسیط	۱۸۰۰	مضل کیس	۱۸۰
مستحق	ظ و ث ز	۱۰۸۰	صغیه	۲۸۰	وسیط	۱۸۰۰	مضل کیس	۱۸۰

باب اول

در بیان طریق گرفتن چهار حرف از برای هر حرفی از حروف مستحضره که اینجا حروف را مستحضره
 بنامند بدانکه این چهار حرف را از سه اتصال نامبرده شده بجایه گرفت یک حرف از اتصال
 جامع کلی و یک حرف از اتصال طبیعی مخفی و دو حرف از اتصال مرتبه ای قاعده چنین است
 که دو حرف دو حرف باید عمل شود قفا در مقدمه گفته شد که تمام عدد اتصال کلی مقصود باشد
 چهار است که عدد صفحات جفر جامع است که از ضرب بیت و هشت در بیت و هشت حاصل شد
 چنانچه الف در عدد یکست و با هر یک از بیت و هشت حرف باقی اتصال پیدا میکند و همچنین سایر
 حروف اکنون طریق حرف گرفتن از اتصال کلی را برایت شرح میدهم و خوب دقیق باش
 و بفهم که چه می نویسم و تصدیق کن که واضح تر از این کسی ننوشته بدون لغزش و انصاف راه که
 هیچ مضایقه ای در پرده برداشتن از روی مطلب نگذاشته ام و بر خلاف روش اهل فن بی اغراض بوده
 در می کرده ام و از خدا طلب آمرزش میکنم غرض نقیض است که بازماند که هستی را نمیشناسد بقای
 مگر صاحب دلی روزی رحمت کند و حق در ویشان دعائی

بنادری بعد از آنکه سطر نظیره را چهار چهار فاصله دادی نظر کن بدو حرف اول از چهار حرف اول
 بین کدام یک از حروف پس نظر کن در دائرة اتصال کلی که جدول آن در مقدمه اول نوشته
 شده و عدد اتصال کلی حرف ماقبل آن را بین چهار است با عدد ابجد وضعی حرف دوم جمع
 کن و حاصل جمع را سی سی طرح کن این طرح را طرح در جی گویند بعد از طرح بین چند عدد
 باقیماند با عدد وضعی ابجدی هر دو حرف جمع کن و بیت و هشت بیت و هشت طرح کن و بعد
 آنچه باقیماند از بعد حرف اول نظیره حرف بشمار و آخری را که عدد به آن منتهی شد آن حرف
 را مستحضره مستحضره حرف اول بدان و باز بعد همان عددی که بعد از طرح بیت و هشت باقیماند بعد از
 حرف دوم نیز حرف بشمار هر حرفی که منتهی شد آن مستحضره مستحضره حرف دوم است مثلاً
 دو حرف اول از چهار حرف اول سطر نظیره اخیر (ظ) و (و) بود در دائرة اتصال کلی
 نظر کردم حرف ماقبل آن (ض) بود و عدد آن مقصود و بیت و هشت عدد ابجد وضعی حرف
 (و) که کش بود بر آن افزودیم مقصود سی و چهار شد سی سی طرح کردیم چارده باقیماند عدد ابجد
 وضعی ظ که بیت و هشت است و او که کش است بر آن افزودیم چهل و هشت شد بیت و هشت
 از آن طرح کردیم نوزده باقیماند از بعد حرف ظاهر دائرة ابجد نوزده حرف سرزدیم بحرف ص رسید
 و اینست که ص مستحضره مستحضره ظ است از اتصال کلی آنرا نوشتیم و از بعد حرف و او در دائرة ابجد
 نیز نوزده حرف سرزدیم بحرف ذ رسید و اینست که ذ مستحضره مستحضره و است آنرا نوشتیم پس
 از برای هر یک از این دو حرف از اتصال کلی حرفی حاصل کردیم

قاعده کلیه

اگر عدد انفال کلی قابل طرح بروی یا منازلی نباشد باید بطرح بروی برده شود مانند دو حرف ن و ب و دو حرف ز و ع و در وقت سخته گرفتن ملافی شود از چهار حرف سخته باین نحو که پس از آنکه آن چهار حرف را بطرح منازلی بریم آن طرحی که عمل نشده اگر طرح بروی بوده یا طرح منازلی یا هر دو هنگام سخته گرفتن بر عدد چهار حرف سخته اضافه میکنیم تا قابل طرح شود و بطرح ببریم چنانچه در دو حرف ز و ع اینکار را میکنیم مثلاً برای اینکه این مطلب خوب واضح شود میگوئیم عدد انفال کلی ن و ب سیصد و شصت و شش عدد است بر این بیان که حرف ن قبل ن در جدول انفال کلی م است و آن سیزده بیت است است که جمعا سیصد و شصت و چهار میشود و عدد ب در دایره ابجد وضعی دو است که چون بر عدد مجموع کلی ن اضافه کنیم سیصد و شصت و شش میشود پس از آنکه بطرح بروی بریم که قاعده کلیه این انفال است شش عدد باقی میماند با عدد ابجد وضعی ن و ب که شانزده است چون اضافه کنیم بیت دو میشود که بطرح بیت و شش نیز که قاعده کلیه این انفال است نبرد

لذا قاعده است که آنرا بطرح بروی ببریم و در هنگام سخته گرفتن ملافی کنیم پس از طرح بروی ده باقی میماند از بعد حرف ن در دایره ابجد ده حرف بیست و یک حرف دارد هر سیزده و آن حرف ن است پس سخته ن از این انفال ن میشود و از بعد حرف ب نیز ده حرف بیست و یک حرف آن حرف م است پس سخته ب از این انفال م است و برای تدارک و ملافی طرح بروی که مخوف از قاعده کلیه این انفال شده در وقت سخته گرفتن بطرح بروی بر عدد چهار حرف سخته اضافه میکنیم و ملافی طرح فوت شده را مینمایم و سخته بگیریم و اما در مثل دو حرف ز و ع عدد انفال حرف ن قبل ن که و است در دایره انفال کلی یکصد و شصت و شصت است و عدد حرف ع در دایره ابجد وضعی شانزده است مجموعاً یکصد و شصت و چهار میشود پس از آنکه بحسب قاعده بطرح بروی بریم چهار عدد باقی میماند چون بمقتضای قاعده عدد ابجد وضعی ن هفت و عدد وضعی ع شانزده اجماعاً هر سیزده بیت و هفت حاصل میشود و قابل طرح منازلی که قاعده این انفال است نیست لذا آنرا بطرح بروی ببریم بعد از طرح سه باقی میماند از بعد حرف ن در دایره ابجد سه حرف بیست و یک حرف چهارم که ن است لذا این انفال برای ن می نویسیم و از بعد ع نیز در همان دایره سه عدد بیست و یک حرف چهارم که و است برای ع می نویسیم در هنگام سخته گرفتن طرح فوت شده بشرحیکه گفته شد ملافی میکنیم

انصاف عن طبعی احکام

پس از آنکه دو حرف از اتصال کلی بقاعده معتبره مضبوطه برای دو حرف از سطر
نظیره گرفتیم باید دو حرف هم از جدول و دائره اتصال طبعی عضوی برای هر دو بگیریم
لذا میگوئیم بدانکه عمل این اتصال از دائره اطمینان است و این اتصال عبارت
است از انست طبیعت دو حرفیکه با هم متصل شوند که اول عامل باید طبیعت این دو
حرف را بداند و بعد به احکامی که دارد آشنا شود تا در وقت عمل سرگردان نشود پیش از
این در مقدمه گفته شد اتصالاتی که در حروف حاصل میشود از شانزده صورت بیرون

۱ آتش با آتش ۲ بادی بادی ۳ آبی با آبی ۴ خاکی با خاکی
۵ آتش بادی ۶ بادی با آتش ۷ آبی با خاکی ۸ خاکی با آبی
۹ آتش با خاکی ۱۰ خاکی با آتش ۱۱ بادی با آبی ۱۲ آبی با بادی
۱۳ آبی با آتش ۱۴ آتش با آبی ۱۵ بادی با خاکی ۱۶ خاکی با بادی
احکام این شانزده صورت بر چهار قسم است باعتبار تماثل و توافق و تخالف و ضد
نقیض بودن و ما در اینجا حکم این چهار را در چهار قسمت بیان میکنیم

قسمت اولی

آنها فی مستند که با هم مائل و موافق در طبع و آنها عبارتند از چهار صورت اول
آتش با آتش و بادی بادی و آبی با آبی و خاکی با خاکی -

قسمت ثانی

آنها فی مستند که طالب و مطلوب یکدیگرند و آنها عبارتند از آتش با بادی و بادی
با آتش و آبی با خاکی و خاکی با آبی

قسمت سیمی

آنها فی مستند که مخالفند با یکدیگر و آنها عبارتند از آتش با خاکی و خاکی
با آتش و بادی با آبی و آبی با بادی

قسمت چهارم

آنها فی مستند که ضد و نقیضند با یکدیگر و آنها عبارتند از آبی با آتش و آتش
با آبی و بادی با خاکی و خاکی با بادی و احکام هر یک از این چهار قسمت از این قرار است

فَ اَمَّا فَتَمَثَّلُ الْفُلُ وَثَانِيهِ

پس هرگاه دو حرفیکه با هم متصل شوند از حروف این قسمت یعنی در طبع با هم موافقت
عدد مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم هرگاه جمع هر دو عدد قابل طرح افلاکی یعنی نه نه باشد
نه نه طرح میکنیم بخوبی که بعد از این مثال خواهی داشت و از دانه ابجد حرف میگیریم و

حرف مطلوب این اتصال را بدست میادیریم و اگر قابل طرح افلاکی که قاعده کلیه این
اتصال است نشد عدد مراتب همه حروف هم طبع آن را بر او میافزاییم و بطرح افلاکی
میبریم و نتیجه میگیریم در اینجا برای اینکه خوب مطلب را دریابی چهار مثال برایت میادرم
باقی را حوزت بر آنها قیاس کن و عنایت بشار و هدای متعال را سپاسگذار باش

مثال اول

در اینجا یک دو حرف موافق در طبع با هم متصل شوند و جمع عدد مرتبه هر دو قابل طرح افلاکی
باشد مانند ف و ث هرگاه متصل شوند بدان که هر دو آتشی و موافق اند عدد مرتبه
هر دو را با هم جمع میکنیم چنانچه ف در مرتبه پنجم آتشی است و ث در مرتبه ششم آن پنج و
شش را با هم جمع میکنیم یازده میشود نه از آن را که یک طرح افلاکی و قاعده کلیه این اتصال
است طرح کرده باقی دو میماند بعد از حرف ف در دانه ابجد دو حرف میثاریم حرف
سوم که و میباشد مطلوب ف است در این اتصال میثویم و بعد از حرف س که نیز در
همان دانه دو حرف میثاریم و حرف سوم که خ باشد مطلوب س است میثویم و میثویم
که حرف و مطلوب حرف ف و حرف خ مطلوب حرف س است

مثال دوم

در اینجا یک دو حرف موافق در طبع با هم متصل شوند و جمع عدد مرتبه هر دو قابل طرح
افلاکی که قاعده کلیه این اتصال است نباشد مثل ج و ح که هر دو آبی و موافق و
عدد مرتبه هر دو با هم دو میشود و قابل طرح افلاکی نیست در چنین جایی حکم قاعده آن اینست
که عدد مراتب حروف هم طبع ج را که حروف آبی است و آن بیت و هفت است بر عدد
دو میفزاییم که جمعا بیت و نه میشود پس از سه طرح افلاکی دو باقی میماند از بعد ج در دانه
ابجد دو حرف میثاریم و حرف سوم که و است مطلوب ج است آرا میثویم چون هر دو
ج میباشد و مائل مطلوب هر دو و میشود باقی حروف توافقی را بهین نحو قیاس کن

مثال سوم

در اینجا که دو حرف طالب و مطلوب با هم گیر متصل شوند مثل ص ن که حرف باری و م که حرف آنتی است و این هر دو طالب و مطلوب یکدیگرند و هبتم حرف مطلوب اتصال عنصری او را بدست بیاوریم عدد در مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم چنانچه مرتبه ص ن هفت و عدد مرتبه م چهار است جمعا با هم گیر یازده میشود بطرح افلاکی میریم دو باقی بماند بعد از حرف ص ن در دایره ابجد دو حرف میثاریم بوقت آ میرسد و از بعد م هم نیز در همان دایره دو حرف میثاریم بوقت ع میرسد بمعینم مطلوب حرف ص ن در دایره ابجد آ و مطلوب حرف م ع است

مثال چهارم

در اینجا یک دو حرف طالب و مطلوب با هم گیر متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی نزود حکم اینست که بطرح دیگری میریم و بعد در گرفتن سخته تدارک نمایم مثلاً اگر دو حرف طالب و مطلوب م و ن باشند که م آنتی و عدد مرتبه آن چهار و ن باری و عدد مرتبه آن سه است جمعا هفت میشود و قابل طرح افلاکی نیست بطرح کواکبی میریم یک طرح میشود در دایره ابجد از حرف م هفت حرف میثاریم و حرف ششم را که م ش است میثاریم و بعد از حرف ن در همان دایره نیز هفت حرف میثاریم بوقت ششم آن که صاد میرسیم بمعینم که مطلوب حرف م در آن دایره م ش و مطلوب حرف ن ص است

تبصره

در جمع عدد مرتبه ای اتصال عنصری موافق و مخالف قاعده اینست که اگر عدد مرتبه دو حرف قابل طرح نشد باید بطرح دیگر غیر افلاکی برد از طرح کواکبی یا عنصری و عمل کرد و اگر هیچ طرحی نرفت عدد را قبل یا بعد از اعلاوه میکنیم و بطرح میریم و در سخته ملازم میکنیم

امتناع سوم و چهارم

حون احکام موافق و طالب و مطلوب را دانستی احکام مخالف و ضد و نقیض را هم بدان تا هنگام عمل معطل و سرگردان نمایی پس بدان که احکام همت سوم و چهارم از اقام

چهار گانه اتصالات عنصری که عبارت از مخالف و ضد و نقیض باشد این است که اگر دو حرف که با هم متصل شدند از همت مخالف یا ضد و نقیض باشند اگر عدد توانی مرتبه هر دو بطرح افلاکی که نه باشد رسید بهمان عمل کنند و اگر بطرح نه نرسید نظر کنند بعد در مرتبه عدم توانی نه

اگر بنزد نفع المطلوب و اگر آن هم بنزد عدد توالی و عدم توالی هر دو را اگر توانا
 با هم جمع کند و بطرح برد و آلاب بر طر و ح یا بهمان عدد که حاصل شده حرف باید گرفت
 و بعد در وقت مستحصله گرفتن تلافی طرح فوت شده را باید نمود در اینجا نیز برای توضیح
 چند مثال ذکر میکنم تا طالبین بیشتر از آن بهره مند شوند

مثال اول

در اینجا یک دو حرف مخالف با هم متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی برسد مانند
 ق و ف که عدد توالی ق ف پنج و عدد توالی ف نیز پنج است جمعا ده میشود بطرح افلاکی
 میبریم یک باقی میماند از بعد حرف ق یک حرف در دایره ایجاد میسازیم بحرف ق میبرسد و از
 بعد حرف ق در همان دایره یک حرف میسازیم بحرف ق میبرسد میفهمیم که مطلوب حرف ق
 در این انتقال ق و ف است

مثال دوم

در اینجا یک دو حرف مخالف با هم متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی برسد مانند
 و ش در اینجا دال یک عدد دارد و ش شش خلاف مرتبه عضو دال پنج میشود و جمع عدد
 مرتبه هر دو هفت مجموع هفت با پنج دوازده میشود بطرح افلاکی میبریم سه باقی میماند بعد از
 حرف د در دایره ایجاد سه حرف میسازیم بحرف ح میبرسد و بعد از ش نیز در همان دایره
 سه حرف میسازیم به د میبرسد میفهمیم که در این انتقال ح مطلوب د و د مطلوب ش است

مثال سوم

در اینجا یک دو حرف ضد و نقیض با هم متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی برسد مانند
 ط که عدد مرتبه ط شش و عدد مرتبه ط سه است با یک عدد هر دو یک طرح افلاکی است روی آن عمل
 بلکه در انتقال ضد و نقیض عدد ضد هر دو را باید گرفت چون حرف ث آبی و حرف ط
 ناری و هر دو ضد و نقیض اند و در ضد و نقیض قاعده ایست که عدد ضد هر دو را بگیرند
 و به آن عمل کنند لذا در اینجا طبق قاعده عدد ضد هر دو را میگیریم و عمل میکنیم بدان
 که عدد ضد هر دو یازده میشود باین شرح که ث در مرتبه ششم عضو آبی است و ط در مرتبه سوم
 آتشی و چهار پنجم که بین این دو است یازده میشود بطرح افلاکی میبریم دو باقی میماند پس
 در دایره ایجاد بعد از حرف ث دو حرف میسازیم بحرف ص میبرسد میفهمیم مطلوب حرف ث
 از این انتقال ص است و همچنین نیز بعد از حرف ط در آن دایره دو حرف میسازیم به
 حرف لام میبرسد میفهمیم مطلوب حرف ط در آن ل است

قاعده مهمه

در اتصال مخالف حضری اگر بتوالی بردیم و طرح کردیم بر حسب قاعده و ناطق نشد بگیریم
و حروف عضر را از عدم توالی بگیریم اگر باز ناطق نشد از عدد توالی و عدم توالی هر دو
جمع میکنیم اگر بطرح رسید طرح میکنیم و اگر بطرح نرسید از همان عدد حرف بگیریم و بجه
وقت مستصله گرفتن ملاقی میکنیم تا ناطق شود در هر حال ملاحظه نطق را باید کرد

تصیر

بدانکه حروف آتش و بادی و آبی و خاکی هر یک هفت حرفند و هر حضری که هفت حرف
است جیت و هشت عدد دارد پس اگر در گرفتن مطلوب حرف از اتصال حضری
حروف قابل طرح نشد عدد مرتبه قابل را بر آن میافزاینیم تا قابل شود چنانچه اگر حرف
در مرتبه اول واقع باشد و قابل طرح نباشد عدد مرتبه شش حرف دیگر را بر آن میفزاییم
تا قابل طرح شود مثلاً هرگاه دو حرفیکه با هم متصل شدند جی باشد دو عدد دارند و قابل
طرح نیستند لذا عدد مراتب همه حروف آبی را بر آن دو میفزاییم و بطرح میریم چنانچه ذکر شد

در بیان اتصال تصیری و احکام متعلقه بآن

بدانکه این اتصال را مرتبه ای گویند برای اینکه از روی مرتبه به آن عمل میشود و برای هر حرفی
دو حرف از آن باید گرفت و آن بر دو قسم است قسم اول از جهت مراتب چهار گانه اعداد عشرات و آن
و الف که از آن یک حرف برای هر حرفی گرفته میشود و این قسمت طرح ندارد و قسم دوم از جهت مراتب
عددی حرف که با مرتبه حساب شود چنانچه بعد از این خواهی داشت و این قسمت طرح بروی دارد
و این اتصال باعتبار مراتبی که دارد بر شانزده نوع تصویر میشود از ضرب چهار در چهار ۱ اتصال
آحاد با آحاد ۲ اتصال آحاد با عشرات ۳ اتصال آحاد با مئات ۴ اتصال آحاد با الف
۵ اتصال عشرات با آحاد ۶ اتصال عشرات با عشرات ۷ اتصال عشرات با مئات ۸ اتصال
عشرات با الف ۹ اتصال مئات با آحاد ۱۰ اتصال مئات با عشرات ۱۱ اتصال مئات با الف
۱۲ اتصال الف با آحاد ۱۳ اتصال الف با عشرات ۱۴ اتصال الف با مئات ۱۵ اتصال الف با الف
قسم است بر حسب اختلافی که در حکم دارند و احکام آنها در ضمن سه قسمت بیان میشود

قسمت اولی

در حکم اتصال آحاد با آحاد و آحاد با عشرات و عشرات با آحاد و عشرات با مئات و عشرات با الف و مئات با الف و الف با الف این ده صورت فقط در وقت عمل مرتبه جلی آنها گرفته میشود و بطرح بروچی میرود و اگر قابل طرح نباشد حرف ما قبل آنها را بر آنها میافزاییم و بطرح میبریم و اگر پس از اضافه عدد حرف ما قبل یا بعد باز بطرح زود آنرا بطرح دیگری از طرح که نقصی باشد میبریم و حرف میگیریم و در وقت مستحصله گرفتن تدارک طرح فوت شده را میگیریم بشرطی که بعد از این گفته میشود و اگر بر دو حرف ما قبل نداشته باشد از همان عدد مرتبه خودشان حرف مطلوب آنها را بگیریم و هنگام مستحصله گرفتن تلافی نمیکنیم و بعد از این مثالهایی که بیان میکنیم کاملاً واضح میشود

قسمت دوم

در حکم اتصال آحاد با مئات و عشرات با الف و مئات با آحاد و الف با عشرات و علت اختلاف حکم این قسمت با قسمت قبل از جهت بکرتبه دور بودن دو حرف است از همدیگر و حکم هر یک از این چهار صورت اینست که هر یک از دو حرفی که از این چهار صورت باشد عدد مراتب جلی آنها را باید گرفت و عدد عدد مراتب جلی آنها را نیز باید گرفت و عدد مابه التفاوت مراتبی آنها را بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جلی ایشان افزود و حرف مطلوب را گرفت چنانچه مثال بعد از این خواهی داشت

قسمت سیم

حکم آحاد و الف و الف و آحاد است بعلت دور مرتبه از همدیگر دور بودن پس هرگاه این دو نوع حرف با هم مقبل شدند حکم اینست که عدد مراتب جلی آنها را بگیرند و عدد بکتری مراتب جلی آنها را نیز بگیرند و مابه التفاوت مراتب آنها را با هم جمع کنند و بعد از طرح بروچی این اتصال از دایره ابجد بزرگتر چکه در اتصال قبل گفته حرف مطلوب هر یک را بگیرند و در هنگام مستحصله گرفتن نیز همین عدد مابه التفاوت بین آنها را نیز بر عدد حاصل طرح عدد مطلوب آنها بیفزایند و پس از آن مستحصله بگیرند چنانچه مثال بعد روشن خواهی شد

و فرق مراتب حکم این دو صورت با چهار صورت قبل این است که چون این دو صورت
 هر کدام دو مرتبه از هم دورند لهذا دو مرتبه عدد مابالتفاوت بین آنها را بر عدد حاصل طرح
 ایشان میافزاییم یکی هنگام گرفتن حرف مطلوب در انتقال عدد مراتب جمعی و یکی در
 هنگام گرفتن مستقیم از خلاصه عدد و حرف مطلوب و آنرا آن چهار صورت چون یکمرتبه
 از هم دورند یکمرتبه عدد مابالتفاوت ایشان را بر عدد حاصل طرحشان میافزاییم و آن در
 هنگام گرفتن حرف مطلوب در انتقال مراتب جمعی است

توضیح مقال فی شرح این اقسام

خلاصه کلام در این مقام بطور واضح آنکه این انتقال دو صورت دارد که بعد از گرفتن
 حرف مطلوب از انتقال عنصری چنانچه گذشت از این انتقال برای هر یک از دو حرف یک
 یکدیگر متصل شوند و حرف برای سطره بیاید گرفت که یکی از این دو حرف از انتقال
 مرتبه جمعی گرفته میشود و در این انتقال مرتبه جمعی طرحی نیست فقط همین قسم از انتقال است
 که طرح ندارد و قاعده حرف گرفتن از این انتقال اینست که دو حرفی که با هم متصل
 میشوند باید بهین مرتبه جمعی هر یک از این دو حرف چند است با هم جمع کنیم و بعد
 حاصل جمع هر دو در دایره ابجد بعد از هر یک از آن دو حرف حرف بنماییم و حرف بعد
 از آنرا مطلوب آنحرف بدانیم برای تقرب بدین مثالی چند ایراد میکنیم بقیه را به آنها قیاس کن

مثال اول

حکم انتقال آحاد با آحاد مثلا هرگاه دیدیم که ج با ج با هم متصل شدند چون هر دو آحاد
 هر کدام را یک حساب میکنیم جمعا دو میشوند در دایره ابجد بعد از ج دو حرف میثاییم حرف
 سوم مطلوب ج است و آن ق است و چون هر دو حرف مانند برای هر دو ق را بگیریم

مثال دوم

حکم انتقال آحاد با عشرات هرگاه دیدیم دو حرف که با هم متصل شده یکی آحاد و دیگری
 عشرات است مانند ه که آحاد است و تم که عشرات است ه را یک و تم را دو حساب
 میکنیم جمعا سه میشود در دایره ابجد بعد از ه سه حرف میثاییم و چهارم آن که ط است
 بای ه می نویسیم و بعد از حرف تم هم در همان دایره سه حرف میثاییم و چهارم آنرا برای
 تم می نویسیم و همین حکم را دارد هشت صورت دیگر که عبارت باشد از انتقال عشرات با
 آحاد و عشرات با مئات و عشرات با عشرات و مئات با عشرات و مئات با الف و الف با
 مئات و الف با الف و مئات با مئات

مثال سیوم

حکم انفال احاد با ت هرگاه دیدیم دو حرفیکه باهم متصل شده یکی آحاد است و یکی اُت مثلاً مَنَدَ و ت دال را یکی حساب میکنیم و ت راسه جمعا چهار میشود با ت الحاق میان این دو یک مرتبه است لذا یک را بر حاصل جمع میفراییم پنج میشود در دایره ابجد بعد از حرف د پنج حرف بشماریم و حرف ششم که می است می نویسیم و بعد از حرف ت در همان دایره ابجد پنج حرف بشماریم و حرف ششم که غ است می نویسیم و بفهمیم که مطلوب د و ت در این انفال می و غ است

مثال چهارده

حکم انفال عشرت با الف مانند لَ و غ مثلاً هرگاه باهم متصل شوند لَ را دو و غ را چهار حساب میکنیم جمعا شش میشود چون با ت تفاوت بین این دو یک مرتبه است یک را بر شش اضافه میکنیم هفت میشود در دایره ابجد بعد از حرف ل هفت حرف بشماریم و حرف هشتم را که ق است می نویسیم و بعد از حرف عین نیز هفت حرف بشماریم و حرف هشتم که ح است می نویسیم پس مطلوب لَ و غ در این انفال ق و ح است و همین حکم را در اُت با آحاد و الف با عشرت

مثال پنجم

حکم انفال احاد و الف مانند ق و غ هرگاه باهم متصل شوند مرتبه و یک و غ چهار جمعا پنج میشود با ت تفاوت بین آنها دو است بر چهار میفراییم شش میشود در دایره ابجد بعد از حرف ق شش حرف بشماریم و حرف هفتم که م است می نویسیم و بعد از غ نیز شش حرف بشماریم و حرف هفتم که ن است می نویسیم و انفال الف با احاد نیز همین حکم را دارد و فرق میان این مثال و مثال سابق و بخوان امنیت که در این مثال و مثال آن که الف و آحاد است با ت تفاوتی که دو مرتبه بیان آنها است دو بار باید اضافه شود یکبار در این انفال و یکبار در وقت سحری که گفتن بخلاف چهار مرتبه قبل چنانچه قبلاً هم ذکر کردم

و اما صورت دوم از انفال

تسبیح ای

و آن انفال مرتبه عددی جلی است که حرف چهارم را برای مستحضره از این انفال

باید گرفت و آنها بر حسب اختلافی که دارند چنانچه از پیش ذکر شد بر سه قسمند و هر قسمی را حکمی جداگانه است ده صورت آن حکمی دارد و چهار صورت آن حکمی و دو صورت آن حکمی برای هر یک از این سه قسم مثالهایی ذکر میکنم تا مطلب بخوبی واضح شود و در این صورت از این اتصال طرح بروجی باید شود که قاعده کلیه آن است و اگر بطرح بروجی زفت حرف ما قبل آن را بر آن میافزاییم و بطرح میبریم و اگر باز قابل طرح نشد بطرح دیگری که تقصیری باشد از قبیل طرح کواکبی یا طرح غنری میبریم و در وقت سمحله گرفتن طرح فوت شده را تلاقی میکنیم چنانچه بعد از این شرح داده میشود اکنون برای مزید اطلاع خاطر نشان نمایم

مثال اول

حکم اتصال آحاد با آحاد در اتصال مرتبه عددی جلی هرگاه آحاد با آحاد متصل شود عدد مرتبه جلی آن قابل طرح باشد مانند اتصال و ط میگویم عدد مرتبه ای و شش و عدد مرتبه ای ط نه است جمعا پانزده میشود پس از طرح دوازده که یک طرح بروجی است سه باقی میماند در دایره ابجد بعد از حرف و سه حرف میساریم حرف چهارم که حی است مطلوب حرف و میشود میساریم و بعد از حرف ط نیز سه حرف در همان دایره میساریم حرف چهارم هم است و آن مطلوب ط است نیز میساریم در اینجا چون بقاعده عمل شد هنگام سمحله گرفتن تلاقی ندارد

مثال دوم

حکم اتصال آحاد با عشرات در این صورت اتصال هرگاه آحاد با عشرات متصل شود مانند ح و جی عدد مرتبه ای ح هشت و عدد مرتبه ای ص نه میشود جمعا بمقدّمه باشد پس از طرح دوازده پنج باقیماند در دایره ابجد بعد از حرف ح پنج حرف میساریم حرف ششم که ن است میگیریم و بعد از حرف ص در آن دایره نیز پنج حرف میساریم حرف ششم ح را میگیریم پس مطلوب ح و ن و ح بود

مثال سوم

حکم اتصال آحاد با آحاد در جائیکه بطرح بروجی نرود مانند ج و د که عدد ج سه و عدد دال چهار است جمعا هفت میشود و آن قابل طرح بروجی نیست عدد ما قبل هر دو حرف را بر هفت اضافه میکنیم تا قابل طرح شود مثلا ما قبل ج الف و ما قبل د الف و با و جیم است عدد ما قبل ج سه و عدد ما قبل دال شش آنها را بر هفت اضافه میکنیم شانزده میشود پس از یک طرح بروجی چهار باقیماند از دایره ابجد چهار حرف میساریم و حرف پنجم که ح باشد مطلوب ج است آنرا میگیریم و بعد از حرف دال نیز چهار حرف میساریم و حرف پنجم که ط و مطلوب د است میگیریم

مثال چهارم

حکم اتصال آحاد با آحاد در جائیکه بطرح بروچی نرزد و ماقبل هم نداشته باشد یا ماقبل دارد و باز
بطرح بروچی نرزد و با افزودن عدد ماقبل مانند ب و ج که ب دو عدد دارد و ج سه عدد
پنج میشود و عدد ماقبل بر دو چهار است که با پنج نمیشود و قابل طرح بروچی نیست بطرح که
نیز هم دو باقی میماند بعد از حرف ب در دایره ابجد معروف میثاریم حرف هج میرسد و بعد از ج
نیز حرف میثاریم بر و میرسد خواهیم داشت که مطلوب حرف ب و ج در این اتصال
ه و و خواهد بود و هنگام محصله گرفتن باید تلافی شود چنانچه خواهیم گفت

مثال پنجم

حکم اتصال آحاد با آحاد در جائیکه بطرح بروچی نرزد و عدد حرف ماقبل آن نیز هرگاه
اضافه شود باز هم وفا بطرح بروچی و طرح دیگر کند مانند ب و ب مثلاً که هر دو در مرتبه
احادند آنها را دو حساب میکنیم و با دو عدد که ماقبل آنهاست چهار میشود چون چهار یک طرح
عنصری است در دایره ابجد بعد از حرف ب چهار حرف میثاریم و حرف پنجم که ز باشد بگیریم
و چون دو حرف مانده مطلوب هر دو ز ز باشد و اگر دو حرفی باشد که ماقبل آن
از چهار هم کمتر باشد مانند الف و الف که ماقبل آنها دو عدد است و هیچ طرحی نرزد و برای
هر یک دو حرف از دایره ابجد میثاریم و حرف سوم که ق است برای هر دو مطلوب بگیریم در
وقت محصله گرفتن تلافی میکنیم

مثال ششم

حکم اتصال مات با آحاد مانند ط و ط تا در مرتبه مات حساب میشود و ط در
مرتبه آحاد یک جمعا چهار میشود چون بطرح بروچی نرزد و عدد مرتبه ماقبل آن که سه است
با عدد حرف ماقبل ط که هشت است جمعا یازده میشود بر عدد چهار میافزایم جمعا پانزده میشود
بعد از طرح دوازده سه باقی میماند در دایره ابجد بعد از حرف ط سه حرف میثاریم حرف
چهارم که ض است مطلوب ط خواهد بود و بعد از حرف ط نیز سه حرف میثاریم حرف
چهارم که ق است مطلوب ط خواهد بود و اینجا با تفاوت آحاد و مات باید اضافه شود مطلوب
ط و ن میشود ثابته

مثال هفتم

حکم اتصال عشرات با الف مانند اتصال ع با ع عین در مرتبه عشرات است هفت حساب
کن و عین در مرتبه الف یک حساب کن جمعا هشت میشود چون قابل طرح بروچی نیست
عدد بلا مرتبه حرف ماقبل عین که بیست و یک است بر هشت اضافه کن بیست و نه میشود عدد از

طرح بروجی نج باقی میماند از بعد حرف عین در دهنه ابجد پنج حرف بیشتر عدد مراتبی عین که
دو است و عدد مراتبی غین که چهار است و جمعا شش میشود بر عدد پنج باقیمانده میافزایم
یازده میشود در دایره ابجد بعد از حرف عین یازده حرف میثابیم حرف دوازدهم که نج است
مطلوب نج خواهد بود و بعد از حرف غ نیز یازده حرف میثابیم حرف دوازدهم که ل است
و آن مطلوب نج خواهد بود

حکم انقال ثات با آحاد مانند ت و ط تا در مرتبه ثات سه حساب میشود و ط در
مرتبه آحاد یک جمعا چهار میشود چون بطرح بروجی نمیرود عدد مرتبه با قبل ت که سه است
با عدد حروف با قبل ط که هشت است و جمعا یازده میشود بر عدد چهار میافزایم جمعا پانزده میشود
بعد از طرح دوازده سه باقی میماند در دایره ابجد بعد از حرف ت سه حرف میثابیم حرف
چهارم که ض است مطلوب ت خواهد بود و بعد از حرف ط نیز سه حرف میثابیم حرف
چهارم که ق است مطلوب ط خواهد بود در اینجا با اتعادت اعداد باید اضافه نمود و محسوس
ظنون میشود آنگاه شده

مثال هفتم

حکم انقال عشرات با الف مانند انقال نج با غ عین در مرتبه عشرات است هفت حساب
کن و عین در مرتبه الف یک حساب کن جمعا هشت میشود چون قابل طرح بروجی نیست
عدد بلا مرتبه حروف با قبل عین که بیست و یک است بر هشت اضافه کن بیست و نه میشود عدد دوازده
طرح بروجی نج باقی میماند از بعد حرف عین در دهنه ابجد پنج حرف بیشتر عدد مراتبی عین که
دو است و عدد مراتبی غین که چهار است و جمعا شش میشود بر عدد پنج باقیمانده میافزایم
یازده میشود در دایره ابجد بعد از حرف عین یازده حرف میثابیم حرف دوازدهم که نج است
مطلوب نج خواهد بود و بعد از حرف غ نیز یازده حرف میثابیم حرف دوازدهم که ل است
و آن مطلوب نج خواهد بود

مثال هشتم

حکم الف با عشرات مانند حی و غ و حی عین در مرتبه چهارم و حی در مرتبه دوم
است جمعا شش میشود قابل طرح بروجی نیست عین در مرتبه عددی یک و یا هم دو یا سه
اتعادت دو میشود بر شش میافزایم جمعا هشت میشود بطرح گو آگهی میریم یک باقی میماند از
بعد حرف غ در دایره ابجد یک حرف میثابیم حرف دوم که ب است مطلوب غ است و از
بعد حرف یا نیز در آن دایره یک حرف میثابیم حرف دوم که ل است مطلوب حی است
باقی اقسام صورت دوم این انقال را از مثالهای که ذکر شد بعین و بر آنها قیاس کن

چون قاعده گرفتن مختصر از اینست

بدانکه مثالی که در مقدمات فرض کردیم مستحضره آن بیت و چهار حرف شد و آن تقسیم شد بر شش خانه جبری که هر خانه چهار حرف باشد باید برای هر یک از این چهار حرف چهار حرف مستحضره مستحضره بگیریم که حرف از اتصال جامع کلی و یک حرف از اتصال مخفی طبعی و دو حرف از اتصال جلی مرتبای و عددی برای آشنا کردن با بقاعده یکخانه چهار حرفی جبری را مستحضره مختصره بگیریم که برده خفائی باقی نماند چهار حرف خانه اول جبری مثال (ظ و ث و ف) بود باید دو حرف دو حرف عمل کنیم با یکفیت که اول برای دو حرف ظ و و و هر کدام چهار حرف را مستحضره مختصره بگیریم اول از اتصال کلی جامع شروع میکنیم با این ترتیب میگوئیم حرف ما قبل ظ صی است و آن در دایره اتصال کلی جامع عدد شش مقصد و بیت و شش است که عبارت از بیت شش بیت و شش باشد این عدد را با عدد وضعی و که شش است و متصل با ظ شده جمع میکنیم مقصد و سی و چهار میشود سی که عدد طرح درجهی است طرح میکنیم چهارده باقی میماند چهارده را با عدد وضعی و او که شش است و عدد وضعی خط که بیت و هفت است جمع میکنیم چهل و هفت میشود بطرح منازلی که نیز قاعده این اتصال است میبریم یعنی بیت و شش از آن طرح میکنیم نوزده باقی میماند در دایره بعد از حرف ظ نوزده حرف میثایم و حرف بیتم را که قی است و مطلوب حرف خط است میویسیم بر از آن بعد از حرف و نیز در همان دایره نوزده حرف میثایم و حرف بیتم که صی است و مطلوب حرف و او میویسیم تا اینجا از چهار حرفی که برای هر یک از این دو حرف باید گرفته شود برای هر کدام یک حرف از اتصال کلی گرفتیم اکنون حرف دوم را برای هر یک از اتصال طبعی مخفی باید گرفت خوب توجه کن و بفهم که چه میویسیم کیفیت اخذ حرف از این اتصال برای ظ و و او بیت میگوئیم حرف ظ هفتم درجه حرف بیادی است و حرف و دوم درجه آن است چنانچه قبلاً گفتیم هر یک از عناصر چهار گانه هفت حرف دارند و هفت حرف بادی اینها است (ب و ی و ن و ص و ط و ض) پس ظ در درجه هفتم و و در درجه دوم است و در طبع مواخذه عدد هر دو را بهم جمع میکنیم دو و هفت نه میشود و آن عدد که طرح افلاکی است که قاعده مسئله این اتصال است پس در دایره بعد از حرف خط نه حرف میثایم حرف ط که مطلوب او است میویسیم و بعد از حرف و او نیز در همان دایره نه حرف میثایم حرف ع که مطلوب و است میرسد میفهمیم

که در این انقال مطلوب ظا است و مطلوب و ع است تا اینجا برای هر یک از این
 دو حرف دو حرف گرفتیم اکنون برای هر کدام دو حرف دیگر از انقال مرتبای جلی باید
 گرفت پس یگوئیم ظا در مرتبه سوم جلی است اعداد و عشرات و مئات و در مرتبه اعداد است
 سه و یک چهار میشود بر حسب قاعده در دایره اجد بعد از حرف ظا چهار حرف شمریم و حرف
 پنجم را که د است مطلوب ظا گرفتیم و بعد از حرف و نیز در همان دایره چهار حرف شمریم
 و حرف پنجم که ت است مطلوب و او گرفتیم و در این انقال جتاج بطرح نیست باقیما
 است برای هر یک از این دو حرف یک حرف دیگر که آزا باید از انقال مرتبه عددی بگیریم و
 آن چنین است که ظا با مرتبه در عدد نه میباشد و و شش دایند و پانزده میشود بر طبق قاعده
 مضبوطه در این ایصال باید طرح بروی شود یعنی از پانزده دایره طرح میکنیم سه باقی میماند
 در دایره اجد از بعد ظا سه حرف شماریم حرف چهارم آن د است که در این انقال
 نیز مطلوب ظا است و بعد از حرف و نیز سه حرف در همان دایره شماریم بحرف ت که
 میرسد میفهمیم که مطلوب و او ت است باقی را همین نحو قیاس کن که در بقاعده فرد که از گردم

مستحضر ظا مستحضر و

مستحضر و ط د ج ه مستحضر ض ع ت ک ل ه
 و اما حرف سوم و چهارم این خانه جفری ت و و است عدد جامع کلی حرف
 ماقبل ت ششصد و شانزده و عدد وضعی ن هفت است جمعا ششصد و بیست و شش
 بعد از طرح سی سی درجی که قاعده این انقال است بیت و سه باقی ماند با عدد وضعی ن که
 هفت است و عدد وضعی ت که بیت و سه است جمع کردیم کلا چهل و شش شد پس از طرح

بیت و شش که بطرح منازلی و قاعده سکه این انقال است اجد به باقیماند در دایره
 اجد بعد از حرف ت اجد حرف ت اجد حرف ت اجد حرف ت اجد حرف ت اجد حرف ت اجد حرف ت
 و بعد از حرف و در همان دایره نیز اجد حرف ت اجد حرف ت اجد حرف ت اجد حرف ت اجد حرف ت
 و از این انقال ضی است و این حرف دوم برای هر یک از این دو حرف بگیریم
 از انقال غرضی طبعی چون ت و و در هر طبع بودند و موافق و عدد و شش و
 عدد و دو و مجموع هشت میشود و بطرح افلاکی که قاعده تقننه این انقال است نیز حرف ت
 بر حسب قاعده چنانچه از پیش گذشت عدد تمام حروف هم طبع این دور را بر هشت افزودیم
 جمعا سی و شش بطرح افلاکی بردیم چهار طرح شد بعد از حرف ت در دایره اجد نه حرف د

حرف دهم که بود و مطلوب ث نشتم و بعد از حرف ز نیز در همان دایره نه حرف
 شتر دیم حرف دهم که ف بود و مطلوب ز بود آنرا نوشتیم خواستیم حرف سوم را برای
 هر یک از این دو حرف بگیریم طبق قاعده از انصال مرتبه ای جلی باید گرفت باین نحو که ث
 در مرتبه سوم جل و از ثات بود و ز در مرتبه اول جمعا چهار میشود در دایره ابجد بعد از حرف
 ث چهار حرف شتر دیم حرف پنجم که غ بود نوشتیم و بعد از حرف ز در همان دایره چهار
 حرف شتر دیم حرف پنجم که ک بود نوشتیم این انصال طرح ندارد خواستیم حرف چهارم را
 برای هر یک از این دو حرف بگیریم طبق قاعده از انصال مرتبه عددی باید گرفت چنانکه
 ث پنج و ز نه جمعا دوازده میشود یک طرح بروی است که قاعده این انصال است بعد
 از حرف ث در دایره ابجد دوازده حرف شتر دیم حرف سیزدهم ح و مطلوب ث بود
 نوشتیم و بعد از حرف ز در همان دایره نیز دوازده حرف شتر دیم حرف سیزدهم ز بود
 نوشتیم پس مستحضره ث چهار حرف و مستحضره حرف ز نیز چهار حرف شد
 مستحضره ث مستحضره ز و این دو خانه جوی در وقت
 ن ه غ ح ض ف ل ر مستحضره گرفتن تلاقی ندارد زیرا
 که طراح درجی و منازلی و افلاکی عنصری و بروی خود را که قاعده این انصالات است رفته

فصل پنجم در توضیح

اگر در آخر حرف مستطقه داخل اربعه و غیر مکرر حرف سوال که بر آن طغی شده حرف آخر
 بتنهائی مانند حرف ماند بدون اینکه متصل بچون دیگر شود اگر کمی است باید بعد از نظر
 آخر که نظیره اطلی گرفت آن حرف آخر بتنهائی را با قبل آن مستحضره بگیری و اگر حرف ستم
 است نیز با حرف ما قبل آن که حرف دوم است مستحضره بگیری

قاعده کذا

اگر عدد دو حرف مخالف بطرح افلاکی رفت و در مستحضره ناطق نشد بعد از تمام شدن مستحضره
 آن بطرح کو اکی بر و تلاقی کن در هر سمنی که مابه التفاوت دارد و اگر باز هم ناطق نشد
 هر عدد دیگر از همین عنصر مخالف است و لو کمتر از هفت هم باشد جمع کن و حرف بگیر و
 در هنگام مستحضره گرفتن تلاقی کن و از مطلوبش سیر بده تا ناطق شود

فَاعِدَةٌ

در انصال دو حرف م و ح که بطرح برو جی و افلاکی که قاعده کلیه این انصال است
نمی رود باید تدارک کرد چون در هر دو انصال طرح کو اکی حاصل می شود یعنی بدو طرح کو کبی
میرود کی طرح کو کبی بر حاصل طرح عدد مطلوب هر دو باید افزود در وقت مستحصله گرفتن دو طرح

فَاعِدَةٌ

در حروف مستحضره اگر محتاج شدیم بتلافی در جی مثلا و عدد مراتب انصال جلی هر دو و
عدد حروف مستحضره بیت و چهار باشد مثلا و قابل تلافی نباشد میتوانی همان عدد بیت
چهار را بدون تلافی و طرح حرف گیری البته ناطق می شود

فَاعِدَةٌ

در انصال مراتب جلی عشرات به آحاد چون انصال ن و ب اگر قابل طرح نباشد
هر طرحی که قاعده کلیه تقاضا میکند میبریم یعنی پیش از علاوه کردن عدد ما قبل آن حرف اگر
قابل این است که بطرح دیگر میبریم و اگر قابل نیست عدد حرف ما قبل را بر آن میبریم
و بطرح میبریم و اگر ما قبل ندارد عدد ما بعدش را یعنی همه ما بعد را که بیت و هفت است چنانچه
در انصال عنصری این عمل می شود در این انصال هم عمل میکنیم و بر آن میافزاییم چون در انصال
عنصری قاعده این بود که اگر عددین دو حرف قابل طرح نباشد و ما قبل هم نداشته باشد
یا داشته باشد و باز هم قابل طرح نباشد عدد ما بعد را بر آن میافزاییم تا قابل طرح شود و بعد
تلافی میکنیم در این انصال جلی هم همین عمل را باید انجام داد چنانچه در انصال ب و ت
همین عمل را میکنیم

فَاعِدَةٌ

در انصال عشرات بر اآت که عدد مطلوب قابل طرح تنازلی نباشد چون ص و ح
و ص و ح که عدد مطلوب ص و ح نوزده است و قابل طرح تنازلی نیست و هیچ طرحی
برده نمیشود همان عدد را باید نگاه داشت و عدد مطلوب ص را باید بطرح تنازلی
برد حاصل طرح پنج میماند و آن فردا است و عدد نوزده هم فردا است و عدد نوزده بیشتر
از آن است و بطرح زفته لذا مستحصله هر دو را از عدد مطلوب ص و ح میگیریم

فَاعِلَةٌ

اگر عدد طرح انتقال کنی قابل طرح درجی نباشد بطرح بروجی باید بردمانند انتقال
و ب مثلاً و همچنین ذ و ع و در وقت مستحصله گرفتن از چهار حرف مستحضر پس از
آنکه بطرح منازلی بر دیم همان عدد طرح شده یعنی دو طرح یا یک طرح که از انتقال کنی
طرح شده و قابل طرح منازلی نبوده بر عدد مستحضر علاوه میکنیم و بطرح منازلی ببریم چنانچه
در انتقال ذ و ع این احتیاج را پیدا میکنیم

فَاعِلَةٌ

اگر عدد با به تفاوت از یک سمت باشد آنرا اخذ باید کرد و اگر تدارک دارد تدارک میکنی و
از آن حرفی که تفاوت دارد بقیه با به تفاوت را بهمان عدد از حرف مطلوب سر میبری
و مستحصله از مطلوب بگیر می چنانچه مثلاً اگر ذ با ذ انتقال پیدا کرد و همچنین هر دو حرفی
که مثل این دو حرف باشد در آن همین عمل را باید بکنی

فَاعِلَةٌ

اگر در انتقال آحاد و ثنات یا آحاد و الف از هر دو سمت با به تفاوت نداشته باشد
و از یک سمت داشته باشد همان یک سمت را بگیریم مانند ذ و ذ و امثال آن و علاوه
میکنیم و اگر هیچ تفاوتی ندارد از هر دو طرف همان را بگیریم

فَاعِلَةٌ

گاهی اتفاق می افتد من غیر غالب که در انتقال آحاد و ثنات در صورت انتقال مراتب
جلی بعد از اضافه با به تفاوت اگر داشته باشند در آخر طرح از مستحضر باید از آخر مطلوب
آحاد شروع در سرزدن نمود و مستحصله گرفت مثلاً مانند ذ و ط که موافقت در طبع با
هم دیگر و اگر دو حرف ضد و نقیض باشند مانند ذ و س و نحو آن خلاف این قاعده

فَاعِلَةٌ

باید رفتار شود
اگر عدد مستحضر معادل یک طرح منازلی بشود که بیت و هشت باشد و یا با عدد طرح کواکبی
باشد یعنی طرح افلاکی فوت شده باشد آن عدد کواکبی را نباید بر بیت و هشت علاوه کرد
بلکه همان عدد بیت و هشت فقط را بطرح افلاکی باید برد بدون علاوه کردن هفت که عدد کواکب است
مطابق شود چنانچه در مستحصله گرفتن از عدد مستحضر هم وی ایستگار لازم میشود

قاعده

در انتقال مراتب جلی اگر عدد در مقابل طرح بر وجهی نباشد عدد ماقبل را بر آن میافزاییم اگر چه عدد ماقبلش بعد از طرح همان دوازده بماند مانند حرف ط در واقع که با قبل آن سی و شش است و سی و شش را که دوازده دوازده طرح کنیم دوازده بماند و انتقال غ و ظ هم جاری است نه اینکه گوی حال که عدد ماقبل بعد از طرح بر وجهی چیزی نیماند پس عدد خود در حرف را بدون عدد ماقبل بطرح ببریم و همچنین است در انتقال دو حرف غمضی

قاعده

بتجرب رسیده که اگر عدد مستحضره از بیت و هشت کمتر باشد مانند مستحضره غ و ظ که از بیت و چهار میشود و جواب ناطق نمیشود البته در طرح باید تغییر بدی و تصرف استادانه کنی تا ناطق شود و در ضمن آن که عدد مستحضره از بیت و هشت کمتر است همان عدد بیت و هشت را باید بطبق بیاوری احتیاج بطرح افلاکی و کوکی نیست و عدد کوکی را نباید علاوه کرد فقط همان عدد بیت و هشت را عمل کنی هر چند بطرح منازلی زفته باشد و این برخلاف قاعده استنباط نطق

قاعده

جدول زیر بغیر ترتیبی که در جدول دوم و سوم اول رساله ذکر شد برای اینکه سهل تر باشد بجبت طرح در وجهی و منازلی ترسیم شده چنانکه در زیر هر حرفی از حروف مرقوم در جدول در مقابل مرتب شده عددی که در طرف راست است برای تعیین باقیمانده عدد آن حرف است پس از طرح در یعنی سی سی و عدد دیگر در طرف چپ است باقیمانده عدد آن حرف است پس از طرح منازلی (۲۸/۲۸)

طرح درجی	طرح منازلی	م	ن	س
۳۰	۲	۱۰	۲۰	۳۰
۱۲	۱۳	۱۲	۲۲	۴
ع	ف	ص	ق	
۱۰	۱۴	۲۰	۳۰	۱۰
۱۶	۲۴	۶	۱۶	۱۶
ر	ش	ت	ث	
۳۰	۳۰	۲۰	۱۰	۲۰
۴	۲۰	۸	۲۴	۲۴
خ	ذ	ض	ظ	
۳۰	۱۰	۲۰	۱۶	۳۰
۱۲	۲۸	۴	۴	۴
غ				
۱۰	۲۰			

باب دوم در بیان قاعده مستحصله گرفتار

بدانکه مستحضر مرد و حرفی که با هم متصل شده از دو حال بیرون نیست یا در وقت مستحصله گرفتار محتاج بتلافی نیست یا محتاجیم بتلافی کردن جانی که محتاج بتلافی کردن نیست آن در جانی است که طبق قاعده در هر الصالی از الصالات سه گانه بطوریکه باید عمل شود در وقت مستحضر مستحضر گرفتار عمل شده باشد و جائیکه محتاجیم بتلافی کردن در صورتیکه طرجهانی که باید عمل شده باشد نشده باشد اعم از اینکه بطرح درجی زفته باشد یا بطرح منافی زفته باشد یا بطرح افلاکی زفته باشد یا بطرح بروجی زفته باشد یا طرح درجی و منازلی زفته باشد یا طرح درجی و افلاکی زفته باشد یا بطرح درجی و منازلی و افلاکی و بروجی زفته باشد پس عامل باید متوجه باشد که کدام یک از دو قسمت است و اگر از قسمتی است که تلافی دارد بکدام یک از طرجهان زفته و ما برای فرید آگاهی احکام هر یک از دو قسمت را با طریقه مستحصله گرفتار در اینجا شرح خواهیم داد

اما قسمتی که تلافی ندارد

و مقدمه خاطر نشان میکنم که مستحصله حرف اول از دو حرف متصل باید از چهار حرف مستحضر حرف دوم گرفته شود و مستحصله حرف دوم باید از چهار حرف مستحضر حرف اول گرفته شود چون اینقدر مراد نیست بدان برگاه خواستی مستحصله دو حرف را بگیری که با هم متصل شده اند قاعده اینست که اول چهار حرف مستحضر حرف دوم را بحساب بجد بگیر مشهور عدد دیگری و اعداد آنرا با هم جمع کنی و حاصل جمع را بیت و هشت بیت و هشت طرح کنی آنچه که باقی ماند نظر کن بین حرف چهارم این چهار حرف کدام یک از حروف بیت و هشت گانه است از بعد آن حرف در آنرا ابجد حرف بشمار هر حرفیکه منتهی شد آن حرف مستحصله حرف اول است که به آن متصل شده و بعد از آن بهین دستور چهار حرف مستحضر حرف اول را نیز بحساب بجد چنانکه گفتیم عدد دیگری جمع کن و حاصل جمع را بیت و هشت بیت و هشت طرح کن آنچه باقی ماند نظر کن بحرف چهارم مستحضر حرف اول بین کدام حرفت از بعد آن حرف در آنرا ابجد حرف بشمار هر حرفیکه رسید آن حرف مستحصله حرف دوم است برای اینکه خوب واضح شود مثالی برایت ذکر میکنم

مثال

مثلا در سوالی که قبل فرض کردیم دو حرف اول که با هم متصل شدند ظا و و بود مستحضره
 مستحضره ظا این چهار حرف شد ی پ ط پ ی و مستحضره مستحضره و این چهار حرف
 شد بین ع ل ی ل ی و استیم مستحضره حرف ظ را بگیریم از چهار حرف مستحضره و
 بگیریم باین کیفیت عدد چهار حرف مستحضره و نهصد و ده است بحساب ابجد بگیر میشود
 بیت وشت بیت وشت طرح میکنیم چهارده باقی میماند از بعد حرف کاف در دایره ابجد
 چون بشماریم بحرف ذ میرسد میفهمیم که مستحضره ظا ذ است و بعد از آن چهار حرف
 مستحضره ظا را بحساب ابجد که بشمار عدد بگیریم یکصد و بیت و سه میشود بیت وشت بیت
 وشت طرح میکنیم بازده باقی میماند بعد از حرف ح که حرف چهارم مستحضره ظا است در دایره
 ابجد حرف ی شماریم بحرف ت میرسد میفهمیم که ت مستحضره و است باقی بر دو حرف
 که بهم متصل شوند و تلافی ندارند بهین نحو قیاس کن

اما همتی که تلافی دارد

در جایث که در هنگام مستحضره گرفتن بطور حی که قاعده کلیه یک از اتصالات رسا است
 عمل شده باشد برای دشتن آنها چند مثال بیان میکنم تا قاعده آن برای طالبین واضح باشد

مثال اول

اول در جایث که طرح در حی و منازل نشده باشد مانند اتصال دو الف با یکدیگر چون
 الف با قبل ندارد طبق قاعده بطرح بروی و منازلی در و حی نمرود از سه حساب میکنیم و
 دو الف با هم مائل و موافقند هر دو بیشتی مستحق طبق قاعده بطرح غلطی میرود و مستحضره مستحضره
 آن از این قرار است الف اول ۳ د ۳ د ۳ میشود و مستحضره مستحضره الف دوم هم
 نیز ۳ د ۳ د ۳ است چون مجموع عدد هر یک چهارده است و عدد آن بیت وشت
 زسیده محتاج بطرح نیست در دایره ابجد بعد از حرف سوم که ج است چهارده حرف
 ی شماریم حرف چهاردهم در آن دایره ف میباشد آن مستحضره آ است و پنجمین حرف دوم

قاعده

اگر عدد حرف مستحضره بیت وشت رسید یا همه آن بیت وشت شد محتاج بطرح
 نیست مطابق همان عدد از دایره ابجد حرف ی شمار و حرف بعد از عدد را مستحضره بدان

نکته مهم

اگر در چنین مثالی بقاعده ای که ذکر شد حرف گرفتاری و ناطق نشد بیت و ثمت بر مجموع عدد چهارده که عدد مستحضره الف است بیفزای آن طرح کن بانه دوازده میماند بقدر طرح منازلی نیست سی بر آن اضافه کن چهل و دو میشود بیت و ثمت از آن را که یک طرح منازلی است طرح کن بانه چهارده میماند چون هنگام مستحضره گرفتن طرح بروی هم زفته یک طرح بروی آن کم کن دو باقی میماند در دایره ابجد بعد از حرف سوم که ج است دو عدد بشمار و حرف دوم که هج است بنویس که آن مستحضره الف اول است و بعد از آن مستحضره الف دوم را از مستحضره الف اول که عدد آن چهارده است از دایره ابجد بعد از حرف سوم حرف بهار ف که حرف چهاردهم میشود مستحضره الف دوم بدان

مثال دوم

در جایی که طرح درجی شده اما بطرح منازلی زفته مانند دو حرف اول از چهار حرف سوم مثالی که قبلاً فرض کردم که آن ع و ح است و مستحضره مستحضره ع (ق ص و د) است و عدد آن باشد و نود و نیا باشد از طرح بیت و ثمت بیت و ثمت باقی میماند چون در وقت مستحضره کردن طرح منازلی که قاعده کلیه این اتصال است زفته در اینجا بعد از حرف و در دایره ابجد بیت و ثمت حرف میثایم و حرف بیت و ثمت را که خود حرف و باشد مستحضره حرف ح بنویسیم و ثانی طرح منازلی را از مستحضره مستحضره چهار حرف که ل ن ی ک ل است میکنیم باین کیفیت که عدد مجموع این چهار حرف نود میشود بیت و ثمت بیت و ثمت طرح بنویسیم شش باقی میماند بیت و ثمت بر آن اضافه میکنیم سی و چهار میشود پس از طرح بیت و ثمت همان شش باقی میماند از حرف ل در دایره ابجد میثایم حرف ششم ص مستحضره شود

مثال سوم

چنانکه طرح درجی عدد مرتبه ای نشده مانند اتصال ی و ق که دو حرف سوم و چهارم چهار حرف سوم فرض سوال گذشته است چهار حرف مستحضره مستحضره ق ایچ و ف و د و ث مش خ و ت که عدد آنها جمعا یک هزار و هفتصد میشود پس از طرح بیت و ثمت بیت و ثمت باقی میماند دوازده که یک طرح بروی است و هنگام مستحضره گرفتن بطرح زفته و قاعده کلیه این اتصال است از بیت کم میکنیم ثمت باقی میماند بعد از حرف و در دایره ابجد ثمت میثایم حرف ثمت (ب) است آن مستحضره ی خواهد بود و مستحضره مستحضره حرف ی که (م ل س م) است عدد آن جمعا یکصد و هفتاد میشود بیت و ثمت بیت و ثمت طرح میکنیم دو باقی میماند از بعد م در دایره ابجد دو حرف میثایم حرف دوم که رس است مستحضره ی است باقی حرف فیکه ثانی دارد را آنچه مثال زدیم قیاس کن

مثالهای هفتم در وزن اول

مثال اول در جایگاه احاد با عشرات اتصال پیدا کند و عدد مرتبه حلی آن فائده
باشد مانند اتصال پیدا کردن ذ با ع بدانکه در مرتبه هفتم احاد است و در
در مرتبه هفتم عشرات هفت و هفت چهارده میشود از این طرح بروی میسریم
باقی ماند از بعد از دو حرف میثا و هم در دایره ابجد بحرف ی می رسد و از حرف ی نیز
در همان دایره دو حرف میثا و هم بخانه ق می رسد میثا و هم از این اتصال ی و ق
حاصل شده هر دو در در خانه جدا جدا می نویسیم

مثال دوم در جایگاه احاد با عشرات متصل شود و عدد مرتبه حلی آن قابل
طرح نباشد مثل ب و م عدد مرتبه حلی ب دو و مرتبه حلی م چهار حتماً پیش
شد قابل طرح بروی نبود لذا عدد مرتبه حرف ماقبل ب که یک بود با عدد
ماقبل م که سه بود بران افزودیم ده شد باز بطرح بروی نرفت بطرح کواکبی
بریم سه بانه مانند از بعد ب در دایره ابجد سه خانه شمریم بحرف و آورسید و از
بعد ب نیز در همان دایره سه حرف شمریم بحرف ق رسید دانستیم مستخرج ب و م
و ق شد وقت محاسبه گرفتن باید طرح بروی ملائمه شود تا فاعده هم نخورد
مثال سوم در جایگاه احاد با عشرات متصل شود و قابل طرح نباشد و ماقبل با م بعد
هم نباشد باشد مثل ای که آ و ی با هم اتصال پیدا کند عدد مرتبه حلی هر دو یک است
بعد از آن میشود از الف دو حرف میثا و هم و از ی نیز دو حرف میثا و هم که مستخرج الف
و ی هم مستخرج ی میشود در این مثال نیز وقت محاسبه گرفتن باید طرح بروی ملائمه شود
و بر همین فایده است بابت اتصالات هفتم از حلی

در امثالهای صور شصت دوم که اتصال احاد با مائات و
 عشرات با الف و مائات با احاد و الف با عشرات باشد بدانکه این چهار اتصال هر
 کدام بکمرته از هم دورند و حکم هر یک از اینها اینست هر یک از دست حروفی که از این چهار
 متصلند عدد مراتب حلی ایشان را گرفته و عدد مراتب حلی ایشان را نیز گرفته عدد
 و ابدا تفاوت مراتبی ایشان را بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب حلی ایشان
 از آمد و حرف مطلوب گیرند در اینجا نیز برای هر یک از این چهار مثالی میآوریم

مثال اول بدانکه مثال جائیکه احاد با مائات متصل شود مانند متصل شدن دال که در
 مرتبه احاد است با و شین که در مرتبه مائات است دال در مرتبه احاد چهار و شین در مرتبه مائات
 سه است جمعا هفت میشود چون قابل طرح بروی نیست که بقاعده کلیه این اتصال است
 نه عدد حروف ما قبل دال و شین را بر عدد مراتب حلی هر دو که هفت میباشد میفراییم
 مجموعاً شانزده میشود از این طرح بروی میسریم چهار باقی میماند چهار حرف از بعد
 دال می شماریم بحرف ظاهر رسد اینجا بقاعده کلیه در اتصال احاد با مائات اینست که در این
 عدد مراتبی حلی دال و شین یکی با همدگر تفاوت داشت یعنی دال در مرتبه چهارم و شین
 در مرتبه سوم بود و ما به تفاوت مرتبش یکی بود بگو ابر چهار که میافزاییم بحرف ظاهر
 میسر رسد از بعد دال و بحرف ظاهر رسد از بعد شین پس منحصراً دال و شین در این اتصال
 ظاهر می شود باقی را بر همین نحو قیاس کن مثال دوم در جائیکه عشرات با الف متصل
 شود مانند اتصال عین با عین عین در مرتبه عشرات و عین در مرتبه الف است عین در
 مرتبه عشرات هفت است و عین در مرتبه الف یک جمعا هشت میشود چون قابل طرح بروی
 بقاعده کلیه این اتصال است نیست نیست و یک که عدد ما قبل عین است بر آن میافزاییم
 و جمع یک است و نه میشود بعد از طرح بروی پنج باقی میماند عدد مراتبی عین و عین را که دو

حیاطاً است جمعا شش میشود بر پنج باقیانده میافزایم باز ده میشود از بعد عین پاره
 ن در دانه اجد می شماریم بحرف عین میرسد و از بعد عین نیز باز ده حرف می شماریم
 ت لام میرسد پس مستحضره عین و عین در این اتصال عین و لام میشود مثال در شمار
 جابکه مات با احاد متصل شود مانند تا و طاء تا در مرتبه مات و طاء در مرتبه "احاد

$$\begin{array}{r} \text{ترجم عدد ما قبل} \quad \text{ق ر ش ت} \quad \text{در مائیل} \quad \text{ا ب ج د ه و ز ح ط} \quad \text{حر} \\ 242 + 1 \quad \quad \quad 1720 \quad \quad \quad 12 \\ 6 \quad \quad \quad 12 \quad \quad \quad 10 = 36 \quad \text{مجموع} \end{array}$$

تا در مرتبه مات چهار و طاء در مرتبه احاد یکت جمعا پنج میشود قابل طرح بروی که قاعده
 کلمه این اتصال است پست لفظاً شش که عدد ما قبل ناء است و سی و شش که عدد ما قبل
 طاء است بر پنج میافزایم حاصل و هفت میشود بطرح بروی میسریم باز ده باقی میماند از بعد
 ناء در دانه اجد باز ده حرف می شماریم بحرف واو میرسد و از بعد طاء نیز باز ده حرف
 می شماریم بحرف سین میرسد پس مستحضره ناء و طاء و آ و و شین خواهد بود باقی را بهین قیاس
 مثل چهارم الف تا عشر است مانند عین با یاء عین در مرتبه چیار و با و مجموع شش
 میشود قابل طرح بروی پست عین در مرتبه یاء و باء نیز یکت جمعا دو و مجموعاً هشت میشود
 یا قابل طرح بروی که قاعده کلمه این اتصال است پست لفظاً بیست و یک میسریم باقی
 میماند بعد از عین در دانه اجد یک حرف می شماریم و حرف دوم که باء باشد برای عین
 مستحضره میگیریم و بعد از باء یک حرف می شماریم بحرف لام میرسد پس مستحضره عین باء و مستحضره
 یاء لام میشود و در وقت مستحضره گرفتن طرح بروی را نذاش می کنیم

۱	۳	د	د	۳	۱	۴	د	د	۴	۱	۹	ک	د	۷	۱	۳	ل	۹	د	۱۱	ز	۱۱		
۱	۳	د	د	۳	ب	۶	م	م	۴	ج	۹	م	د	۷	د	۱۲	ن	۹	ز	۱۱	ز	۱۱		
در انتقال کلی الف با الف					این اعداد عدد					نماد درجی و					نماد درجی باید شود					طرح منازل شده				
ما بعد خود چون ما قبل					خود انتقال است					منازل باید شود														
نداشت خودش نوشته شد					با حرف متصل علیه																			
و چون الف متصل با الف شد					بدون عدد جزء																			
عدد آن دو میشود جزء					در صغر در مسئله																			
صغیر را علاوه کرده سه					باید نماد درجی																			
میشود آنرا نوشته چون					و منازل شود																			
طرح درجی و طرح بر					در اینجا با بل طرح																			
نرفته است وقت مسئله					بروجی و منازل																			
گرفتهت باید این دو طرح					بنوده																			
نماد شود چنانچه شرح																								
آن بعد از این خواهد آمد																								

۵	۶	۷	۸
۱۵ اج دو	۱۸ اج دل	۲۱ ج د ز	۲۴ ج د ج
۱۵ ز ح ی	۱۸ ح ط ف	۲۱ ط ی م	۲۴ ی ک ی
منگام محصله	منگام محصله	منگام محصله	منگام محصله
گرفتن ثلاثی	طرح درجی	باید شود	باید شود
درجی و منازلی	منازلی ثلاثی	شود	
باید شود			

۹	۱۰	۱۱
۲۷ ی دل	۲ دی م	۳ ه ل ه
۲۷ ص ل ری	۲ م ق ن	۳ س ش س

ثلاثی درجی و منازلی
 باید شود
 زیرا که طرح منازلی شد
 منازلی زینته باید ثلاثی
 عدد درجی منتهی شده
 شود بدون عدد سابق
 بیت و هشت طرح شده
 نوشته شده
 دو باقی ماند نوشتیم
 در محصله باید ثلاثی
 درجی شود

۱۵

۱۴

۱۳

۱۲

۶ و د ه ۷	۱	۱۱ م د ه ۱۱	۱	۱۴ ع د ه و	۱	۱ ق ج ه ک
۷ رس ع ۷	م	۱۱ ا ذ ع ف ا ص	ن	۱۴ آ ف ص ق	س	۱۵ ی ف ق ذ
طرح درجی فیه		طرح درجی فیه		طرح درجی فیه		طرح درجی فیه
طرح منازلی		طرح منازلی باید		طرح منازلی باید		طرح منازلی باید
باید نلافه شود		نلافه شود		نلافه شود		نلافه شود
				آرد، روضه، روضه		
۱۶		۱۷		۱۸		۱۹
ر ج ه ز	۱	ا ث ط ه ج	۱	ض ط ه ل	۱	ا د و ع
ز ص ر ت	۱	ف ا ل ز ش ق	ص	س ض ت ا	ق	ق ا ق ت خ ع
۲۰	۱۸	۲۱	۱۹	۲۲	۲۱	۲۳
د د و ه	۱	ز و و ۷	۱	ی و و ن	۱	ا م ه و ح ح
ث ث ذ ه	۱	ط ا ض ض ۷	ت	ج ط ط ز	ث	ز ط غ ب ل
۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
ع ه و ج ع	۱	ق د و ن ع	۱	ت د و د	۱	ا خ و و د
ل غ ا ص ذ	۱	س غ ب ی ر ض	ق	ا ج ا	ظ	ت د د ب
۲۸						
ض و ز ه						
ذ ه و ه						

باب الباء

٣٢		٣١	٣٠		٢٩
ب ١ ل ه د	ب ١ ن ز و	ب ١ ع ل ه د	ب ١ م ه د	ب ١ م ه د	ب ١ م ه د
٣٦		٣٥	٣٤		٣٣
ب ١ ا د ه و	ب ١ ا د ه و	ب ١ ا د ه و	ب ١ ا د ه و	ب ١ ا د ه و	ب ١ ا د ه و
٣٠		٢٩	٢٨		٢٧
ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و
٤٤		٤٣	٤٢		٤١
ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و
٤١		٤٠	٣٩		٣٨
ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و
٥١		٥٠	٤٩		٤٨
ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و
٥٥		٥٤	٥٣		٥٢
ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و
٥٨		٥٧	٥٦		٥٥
ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و
٥٩		٥٨	٥٧		٥٦
ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و
٦٠		٥٩	٥٨		٥٧
ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و	ب ١ ا ي ه و

باب الحبي

٥٧	٥١	٥٩	٥٨
ج زو و ٧	ج ط م و ٩	ج ك و و ع ١	ج و ٧
ا ه د د ٧	ب ح ل ه ٩	ج ك و و ع ١	د ٧
٦١	٦٢	٦٣	٦٤
ج ٩ ه و ١	ج ا ه و ر ١١	ج ا ه و ن ١٣	ج ا ه ١٥
ه و ز ح س ١	و ا ح ط ي ١١	ز ا ط ي ص ١٣	ح ا ي ١٥
٦٥	٦٦	٦٧	٦٨
ج ١٧ و و ع ١٧	ج ا و ز ك ١٩	ج ا ل ز ٢١	ج ا ل ٢٣
ط ١٧ ل ل ت ١٧	ي ا م ن ص ٢١	ك ا ر س ٢١	ل ا ش ٢٣

٦٩	٧٠	٧١	٧٢
ج ٢٥ ز ز ح ٢٥	ج ٢٧ ز ز م ٢٧	ه و ز ن ٢٧	ج ز و ز ن ٢٧
م ٢٥ ف ف ص ٢٥	ن ٢٧ ص ص ح ٢٧	ف ص ق ق ٢٧	ع ر ق ر ط ٢٧
٧٣	٧٤	٧٥	٧٦
ج ط و ز ي ٧٣	ج ز و ز ع ٧٤	ج م ك ح ٧٥	ج س ك ح ٧٦
ف ث ر ش خ ٧٣	ص ض ش ت ج ٧٤	ق ا ظ خ ٧٥	ر د غ ج ٧٦
٧٧	٧٨	٧٩	٨٠
ج ف ز ح و ٧٧	ج ق ز ح ه ٧٨	ج ش ح ح م ٧٩	ج ث ح ح ز ٨٠
س ز ي ص و ٧٧	ت ي ض ط ط ٧٨	م غ غ ه ٧٩	خ ع ا ا غ ٨٠
٨١	٨٢	٨٣	٨٤
ج ز ح ح ط ٨١	ج ظ ح ح ي ٨٢	ج ا ح ح ع ٨٣	ج ج و ط ٨٤
ذ ق ب ب ح ٨١	ص ت ج ج ه ٨٢	ظ د د ل ٨٣	ع ج و ط ٨٤

بَابُ الدَّالِ

٨٨	د	٨٧	د	٨٦	د	٨٥	د
م ز ز م	د	ك ز ز ط	د	ط ن ز و	د	ز ن ز ا	د
م ز ز م	د	ي و و ل	ج	ز ل ه د	ب	د ك د ا	ا
٩٢	د	٩١	د	٩٠	د	٨٩	د
١٤ و ز ف	د	١٢ و ز ر	د	١٠ و ز ل	د	س و ز و	د
ع ا ي ك ت	ح	ط ي ي	ن	ح ط ن	و	ع ز ح ز و	ه
٩٤ م	د	٩٥	د	٩٤	د	٩٣	د
٢٢ و ح ط	د	٢ م ح و	د	١٨ ز ح ا	د	١٦ ن ز و	د
٢٢ ن ع ف	ل	٢ ر س م	ك	١٨ م ك ا	ي	١٦ ن ل ك	ط
١٠٠	د	٩٩	د	٩٨	د	٩٧	د
ز ز ح ز	د	ه ز ح ل	د	٢٤ ح ح و	د	٢٤ و ح م	د
ق ق ر ق	ع	ع ص ق ت	س	٢٤ ص ص ع	ن	٢٤ س ف ت	م
١٠٤	د	١٠٣	د	١٠٢	د	١٠١	د
س ل ط و	د	م ل ط ح ا	د	ك ز ح و	د	ط ز ح ف	د
ج غ ذ ت	ر	غ ظ خ ه ا	ق	ذ ش ت ر	ص	ت ر ش ب	ف
١٠٨	د	١٠٧	د	١٠٦	د	١٠٥	د
ث ط ط ل	د	ش ط ط و	د	ق ح ط ه	د	ف ح ط ط ا	د
س ا ا د	خ	ل غ غ ص ح	ث	ط ض ظ ه ح	ت	و ذ ص ظ ظ ت	ش
١١٢	د	١١١	د	١١٠	د	١٠٩	د
ج ز ي ا	د	ا ز ط ط ر	د	ظ ط ط ف	د	ذ ط ط ه	د
		خ ب ا د ا	ا	ش ج ج ك	ا	ص ب ب ع ا	ن

باب الحاء

۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴	۱۱۳
م زح ی ه ط زح ل ه ل زح س ه م زح	ا ج ج د و ب و د ه ط ج ط ه و م د ل و ز		
۱۲۰	۱۱۹	۱۱۸	۱۱۷
ه س ح ح ل ه ف ح ح ص ه ق ی ح ص ه س ح ح	ه س ح ح ل و ص ط ط ق ن س م ی ر ح س ح		
۱۲۴	۱۲۳	۱۲۲	۱۲۱
م ه س ح ح ه ی اس ب ط ه ی ۱۹ ط ی ه ۲۱ ط	ط ه ا ق ل ل ی ی ر ن س ل ۱۹ س ص ل ۲۱ ع		
۱۲۸	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵
ه ۲۳ ی ط ز ه ۲۵ ی ط ل ه ۲۷ ط ص ه ز ط ص	م ۲۳ ص ف ن ۲۵ ق ی ش س ۲۷ ق ع ع ص ص ر ا		
۱۳۲	۱۳۱	۱۳۰	۱۲۹
ه ط س ط ز ه ل س ط ح ه م س ی ل ی ه س س ک ل	ف ش ط ش ک ص خ غ ت ش ق ط ا ی ه ر ه غ ص ی		
۱۳۶	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۳
م ف ل ی س ه ق ل ی ح ه ش ز ی ص ه ث ز	ن ش ه غ ص ج ت ح ا ط خ ث ل ذ غ ح خ ن ص		
۱۴۰	۱۳۹	۱۳۸	۱۳۷
م ذ س ی ص ه ط ز ی ح ه ا س ی ح ه ج ز	ذ ف ز ب ی ص ن غ ج غ ط ث ط د ب ع ص ب		

باب الأول

١٤١	١٤٢	١٤٣	١٤٤
و زى ط ف	و ط ح ط ق	و ل ح ط ي	و م ح د
ا ب ج د ل	ب ص ح ح ص ه و ك ز	د ل ر د	
١٤٥	١٤٦	١٤٧	١٤٨
و س ط ط ق	و ف ط ط ق	و ق ع ط ح	و ش ع
ه ن ح ح ص	و ف ط ط ق	ز ر ع ي ط	ح ث ع
١٤٩	١٥٠	١٥١	١٥٢
و ث ع ط ي	و ث ع ي ف	و ز ي ق	و ظ ي
ط ض ق ل م	ي ط ر ن س	ك ب ص خ ل	م ي ع
١٥٣	١٥٤	١٥٥	١٥٦
و الكى ن	و ج ك ي ق	و ه ا ي ق	و ز ا ي ح
م ح ص ف ث	ن ك ق ص ط	س ن ي ق غ	ع ف ي ر ص
١٥٧	١٥٨	١٥٩	١٦٠
و ط ع ي ط	و ل ع ي ي	و م ع ك ح	و س ع ك ح
ف ر ط ش ر	ص ث غ ت ت	ق ض ا خ س	ر ا ب ذ ه
١٦١	١٦٢	١٦٣	١٦٤
و ف م ك ي	و ق م ك ن	و س ي ك ق	و ث ح ل ق
ش د غ ض خ	ت ز ط ط ب	ث ي ل غ ح	خ م ض ا ط
١٦٥	١٦٦	١٦٧	١٦٨
و ذ ع ك ح	و ظ ع ك ط	و ا ع ك ك	و ج ع ل ف
ذ ع ز ب ط	ض ق ح ج ا	ظ ت ط د ج	ع ذ ي و ط

باب التزاء

١٧٢	١٧١	١٧٠	١٦٩
م ط ي ز	م ط ي ز	ط ط ي ش ز	ط ط ي م ز
ي و ز ز	ي و ز ز	ي و ز ز	ي و ز ز
١٧٦	١٧٥	١٧٤	١٧٣
ش ي ي ك	ق ي ي ي	ف ع ي ط	س ع ي ر
ت ل ك ل	ق ي ي ي	ع ع ط خ	م ع ح ض
١٨٠	١٧٩	١٧٨	١٧٧
ظ ف ل ص	ظ ف ل س	د ه ل م	ث ٧ ي ل
د ت ع ك	ج ش س ك	غ ه ن ع	ز ٧ ل ن
١٨٤	١٨٣	١٨٢	١٨١
ل ل ل ي	ه ل ل ط	ج ا ل ر	ا ا ل ي
ر ش ر ق	م ر ق ك	ي ا ص ط	ز ي ف ع
١٨٨	١٨٧	١٨٦	١٨٥
س ف ل ه	م ف ل م	ك ل ل ل	ط ف ل ك
ر غ ب ذ ع	ر ذ ا خ ك	ت ت ت ك	ق ط ش ش
١٩٢	١٩١	١٩٠	١٨٩
ث ن ل ط	ث ن ل ر	ق ط ل ي	ف ط ل ي
ل ج ا ط ر	ط ب غ ح خ	و خ ظ ذ ث	ج ث ص ك
١٩٦	١٩٥	١٩٤	١٩٣
ج ف م م	ا ف ل ل	ظ ف ل ك	ذ ف ل ي
خ ي و ه	ش ط د د	ص ح ج ب	س ز ب ع

باب الحاء

٢٠٠		١٩٩		١٩٨		١٩٧	
ح	مى لك	ح	كى طسى	ح	طى لى	ح	مى كى
١	ج د ج	ج	و م وى	ج	ج د م و	ب	ج د ج
٢٠٤		٢٠٣		٢٠٢		٢٠١	
ح	مى لك	ح	ق ك ل	ح	ف ع ك	ح	مى كى
هـ	ل و ح ز	ح	صى ك	ن	س و ط	و	ل و ح ز
٢٠٨		٢٠٧		٢٠٦		٢٠٥	
ح	مى لك	ح	ظ ص ل	ح	ز ع لى	ح	مى كى
ط	خ ل س	ل	ب س س	ك	ظ ص ن	ى	خ ل س
٢١٢		٢١١		٢١٠		٢٠٩	
ح	ج ا ل س	ح	هـ م ل ك	ح	ج ا لى	ح	ج ا ل س
٢	ح ا ق	ع	ل ر ق ص	س	ط ا ص ع	ن	ح ا ق
٢١٦		٢١٥		٢١٤		٢١٣	
ح	ط ص ل م	ح	م ص م ك	ح	ل ص ل ن	ح	ط ص ل م
٢٢٠	س ص م ك	ر	خ ا خ ك	ق	ش ع پ خ	ص	س ص م ك
٢٢٠		٢١٩		٢١٨		٢١٧	
ح	ش س م ك	ح	ش س م ك	ح	ق ي م ك	ح	ش س م ك
٢٢٤		٢٢٣		٢٢٢		٢٢١	
ح	ج ص نى	ح	ا ص م ن	ح	ظ ص م ن	ح	ج ص نى
٢٢٨	شى و ب	ع	ر ط د هـ	ظ	ف ح ج هـ	ح	شى و ب

٢٢٤		٢٢٣		٢٢٢		٢٢١	
ح	ج ص نى	ح	ا ص م ن	ح	ظ ص م ن	ح	ج ص نى
٢٢٨	شى و ب	ع	ر ط د هـ	ظ	ف ح ج هـ	ح	شى و ب

باب الطاء

٢٢٩	٢٢٨	٢٢٧	٢٢٦	٢٢٥
ط س ق ل ك	م ق ل ك	ك ق ل ت	ط ك ق ل ت	ط ك ق ل ر
ح ح ح ح	م ن ز و	د م و ع	ج م و ع	ب م و ع
٢٣٤	٢٣٣	٢٣٢	٢٣١	٢٣٠
ط ذ ك م ر	ث ا ل ع	ط ش و ل س	ط ق و ل ن	ط ق و ل م
ي ض ل ن س	ث ا ل ع	ط ر و ك ن	ح ف ي ل	ز ن ط ك
٢٣٩	٢٣٨	٢٣٧	٢٣٦	٢٣٥
ط ز ق م م	ط ه ف م ل	ط ج ف م ك	ط ا م ت	ط ا م ت
م ذ ق ق	س ي ت ص ف	ن ز ش ف س	م د و ع ذ	ل ا ش ح
٢٤٤	٢٤٣	٢٤٢	٢٤١	٢٤٠
ط س ل ن س	ط م ل ن ط	ط ك م م ع	ط ط م م س	ط ز ق م ر
ر ض ب د ه	ق ث ش ح ج	ق ر ت ت ذ	ص ف ش ش ث	ف ض ر ش ف

٢٩٢		٢٩١		٢٩٠		٢٨٩	
ك	ث	س	خ	ك	ذ	ع	ع
ط	ش	م	ت	ي	خ	ع	س
٢٩٦		٢٩٥		٢٩٤		٢٩٣	
ك	ج	ش	ع	م	ك	ه	ش
م	ه	ث	ص	س	ن	ح	خ
٣٠٠		٢٩٩		٢٩٨		٢٩٧	
ك	ف	ق	ت	س	ع	س	ف
٣٠٤		٣٠٣		٣٠٢		٣٠١	
ك	ق	ن	ف	م	ك	ش	ث
ش	ط	خ	ظ	و	ت	ب	ذ
٣٠٨		٣٠٧		٣٠٦		٣٠٥	
ك	ظ	خ	ق	ن	ف	س	ك
ذ	ك	ظ	خ	ق	ن	ف	س
٣١٢		٣١١		٣١٠		٣٠٩	
ل	٢٢	ص	ع	٧	ل	٢٤	ش
ا	٢٢	د	ه	٧	ب	٢٤	ل

٣١٦		٣١٥		٣١٤		٣١٣	
ل شت ع ق	ل	ل ق ت ع ك	ل ف ٧ س ي	ل ف ٧ س ي	ل س ٧ ع ت	ل س ٧ ع ت	ل س ٧ ع ت
ل فصل ك	ح	ل ن ف ل ط	ل ك ٧ ي ي ز	ل ك ٧ ي ي ز	ل و ج ٧ ط س	ل و ج ٧ ط س	ل و ج ٧ ط س
٣٢٠		٣١٩		٣١٨		٣١٧	
ل ا ع ف ذ	ل	ل ط ع ف ٩	ل ذ ع و ف ٧	ل ذ ع و ف ٧	ل ذ ع و ف ٧	ل ذ ع و ف ٧	ل ذ ع و ف ٧
ل ا ع ف ذ	ل	ل ض س ع ٩	ل ث و س ٧	ل ث و س ٧	ل ي ث و س ٧	ل ي ث و س ٧	ل ي ث و س ٧
٣٢٤		٣٢٣		٣٢٢		٣٢١	
ل ط ر ف ت	ل	ل ز ق ف ع	ل ه ب ف ت	ل ه ب ف ت	ل ج ت ف ف	ل ج ت ف ف	ل ج ت ف ف
ل م خ ش ظ	ع	ل ي ث ر ق	ل ز خ ق خ	ل ز خ ق خ	ل ن د ث ص ص	ل ن د ث ص ص	ل ن د ث ص ص
٣٢٨		٣٢٧		٣٢٦		٣٢٥	
ل ف ع ص ٩	ل	ل س ع ص ٧	ل م ن ف ذ	ل م ن ف ذ	ل م ن ف ذ	ل م ن ف ذ	ل م ن ف ذ
ل ذ خ ض ٩	ر	ل ت ث ذ ٧	ل ق ر ث ج	ل ق ر ث ج	ل ص ق ر ث ج	ل ص ق ر ث ج	ل ص ق ر ث ج
٣٣٢		٣٣١		٣٣٠		٣٢٩	
ل ث ت ص ع	ل	ل ش ت ص ت	ل ل ش س ص ف	ل ل ش س ص ف	ل ل ش س ص ف	ل ل ش س ص ف	ل ل ش س ص ف
ل ز و ب ث	خ	ل د ه ا ه	ل ج ذ غ ظ	ل ج ذ غ ظ	ل ت ج ذ غ ظ	ل ت ج ذ غ ظ	ل ت ج ذ غ ظ
٣٣٦		٣٣٥		٣٣٤		٣٣٣	
ل ج ن ق ٧	ل	ل ان ص ص	ل ظ ن ص ح	ل ظ ن ص ح	ل ظ ن ص ح	ل ظ ن ص ح	ل ظ ن ص ح
ل ج ن ق ٧	ل	ل ا ه ا ه ا ه	ل م ع د ع	ل م ع د ع	ل م ع د ع	ل م ع د ع	ل م ع د ع

٢٤٨	٢٤٧	٢٤٦	٢٤٥		
ط ث ل ن م	ط ث ل ن م	ط ق ن ك	ط ق ن ك	ط ف ق ن ك	ط ف ق ن ك
ي ط ا غ	ي ط ا غ	ت د ط ح	ت د ط ح	ت د ط ح	ت د ط ح
٢٥٢	٢٥١	٢٥٠	٢٤٩		
ط ج ل س م	ط ج ل س م	ط ك ن ي	ط ك ن ي	ط ك ن ي	ط ك ن ي
ت ج و ك	ت ج و ك	ع غ ج ه ا	ع غ ج ه ا	ع غ ج ه ا	ع غ ج ه ا
ب ا ل ي ا					
٢٥٦	٢٥٥	٢٥٤	٢٥٣		
ي م ز ن ا	ي م ز ن ا	ي م ز ن ا	ي م ز ن ا	ي م ز ن ا	ي م ز ن ا
د ز ن ح ا	د ز ن ح ا	ب م ز ن ا	ب م ز ن ا	ب م ز ن ا	ب م ز ن ا
٢٥٨	٢٥٩	٢٥٨	٢٥٧		
ي ش و ن ل	ي ش و ن ل	ي ش و ن ل	ي ش و ن ل	ي ش و ن ل	ي ش و ن ل
خ ق و ل ي	خ ق و ل ي	خ ق و ل ي	خ ق و ل ي	خ ق و ل ي	خ ق و ل ي
٢٦٣	٢٦٣	٢٦٢	٢٦١		
ي ط و س ع	ي ط و س ع	ي ط و س ع	ي ط و س ع	ي ط و س ع	ي ط و س ع
ل ج و ح	ل ج و ح	ل ج و ح	ل ج و ح	ل ج و ح	ل ج و ح
٢٦٨	٢٦٧	٢٦٦	٢٦٥		
ي ط ر س ع	ي ط ر س ع	ي ط ر س ع	ي ط ر س ع	ي ط ر س ع	ي ط ر س ع
س ص ش ت	س ص ش ت	س ص ش ت	س ص ش ت	س ص ش ت	س ص ش ت

۲۷۲		۲۷۱		۲۷۰		۲۶۹	
ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی
ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن
۲۷۶		۲۷۵		۲۷۴		۲۷۳	
ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش
۲۸۰		۲۷۹		۲۷۸		۲۷۷	
ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ

بَابُ الْكَافِ

۲۸۴		۲۸۳		۲۸۲		۲۸۱	
ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
۲۸۸		۲۸۷		۲۸۶		۲۸۵	
ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
م	م	م	م	م	م	م	م

باب الميم

٣٤٠		٣٣٩		٣٣٨		٣٣٧	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٤٤		٣٤٣		٣٤٢		٣٤١	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٤٨		٣٤٧		٣٤٦		٣٤٥	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٥٠		٣٤٩		٣٤٨		٣٤٧	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٥٤		٣٥٣		٣٥٢		٣٥١	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٥٨		٣٥٧		٣٥٦		٣٥٥	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٦٠		٣٥٩		٣٥٨		٣٥٧	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٦٤		٣٦٣		٣٦٢		٣٦١	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا

٣٦٤		٣٦٣		٣٦٢		٣٦١	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٦٨		٣٦٧		٣٦٦		٣٦٥	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٧٠		٣٦٩		٣٦٨		٣٦٧	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا
٣٧٤		٣٧٣		٣٧٢		٣٧١	
م ٢٧ سفت	م ٢٧ وح م	م ٢٥ ش ف ص	م ٢٤ ش ف ص	م ٢٣ ص ف س	م ٢٢ ص ف س	م ٢١ ع ف ا	م ٢٠ ع ف ا

باب النون

٣٦٨	ن	٣٦٧	ن	٣٦٦	ن	٣٦٥	ن
ص ص ع	ن	ص ص ع	ن	ص ص ع	ن	ص ص ع	ن
ح ح و	د	ح ح و	د	ح ح و	د	ح ح و	د
٣٧٢		٣٧١		٣٧٠		٣٦٩	
ش ١ ص ع	ن	ق ١ ص ط	ن	ف ق ص ط	ن	س ق ص ط	ن
س ١ ل كى	ح	ل ١ ك ك	ن	ل ١ ك ك	ن	ل ١ ك ك	ن
٣٧٦		٣٧٥		٣٧٤		٣٧٣	
ا خ ق خ	ن	ا خ ق خ	ن	ذ ت ق ق	ن	ث ت ص ف	ن
ظ ت ف ت	ل	خ ش ع ص	ل	ش ص س س	بى	ص ف م ل	ط
٣٨٠		٣٧٩		٣٧٨		٣٧٧	
ط ع ق ظ	ن	ز ١ ق ظ	ن	م ف ق س	ن	ج ع ق ع	ن
ل ص ش ا	ع	ح ١ ر ع	س	م ف ق س	ن	ب پ ص س	م
٣٨٤		٣٨٣		٣٨٢		٣٨١	
ف ف ر س	ن	س ف ر ق	ن	م خ ق ف	ن	ل خ ق ع	ن
ث ت ص ظ	ر	ر ت ذ خ	ق	ف خ ت ث	ص	ن ظ ت ق	ف
٣٨٨		٣٨٧		٣٨٦		٣٨٥	
ذ ص ه ظ	ن	ث ص ر س	ن	س ع ر ع	ن	ق ع ر خ	ن
ر ع ب ط	خ	د ظ ا ب	ث	ا خ ع خ	ت	ص ت ط ج	س
٣٩٢		٣٩١		٣٩٠		٣٨٩	
ج خ ش س	ن	ل ف ر ف	ن	ظ ف ر ع	ن	ظ ف ر ط	ن
ف ي ز ه	ع	ن ب م ب	ظ	ص ك ا د ع	ن	ي غ ج ي	ن

باب السّین

۳۹۶		۳۹۵		۳۹۴		۳۹۳	
س ۲۵ ص ق ث	س	س ۲۳ ص ق ق	س	س ۲۱ ف ق ط	س	س ۱۹ ف ق خ	س
س ۲۵ ز ح ل	س	س ۲۳ و ز ن	س	س ۲۱ د و ک	س	س ۱۹ ج ۵ ل	س
۴۰۰		۳۹۹		۳۹۸		۳۹۷	
س ۲۵ ر ق ص	س	س ۲۳ ر ق ف	س	س ۲۱ ف ۱ ق ع	س	س ۱۹ ۲۰ ق ع	س
س ۲۵ م ل ل	س	س ۲۳ ل ل ط	س	س ۲۱ ح ۱ ق ق	س	س ۱۹ ۲۷ ط ص	س
۴۰۴		۴۰۳		۴۰۲		۴۰۱	
س ۱۸ ر ق	س	س ۱۸ ط ث ر ع	س	س ۱۸ د ر ض	س	س ۱۸ ث ذ ق	س
س ۱۸ ض ق ف ع	س	س ۱۸ ث ق ع ح	س	س ۱۸ ر و س ی	س	س ۱۸ ف ق م	س
۴۰۵		۴۰۴		۴۰۳		۴۰۲	
س ۱۸ ص ر ص	س	س ۱۸ ط ص ر ع	س	س ۱۸ ز ص ر ع	س	س ۱۸ ج ۸ د ث	س
س ۱۸ م ر ت ر	س	س ۱۸ ی ق ش ص	س	س ۱۸ ز ص ر ع	س	س ۱۸ ۱ ق ک	س

۴۱۳		۴۱۲		۴۱۱		۴۱۰	
س ۱۸ ق ق ش ق	س	س ۱۸ ف ذ ش ع	س	س ۱۸ س ذ ش ض	س	س ۱۸ م ص ر ف	س
س ۱۸ ذ ذ ط ف	س	س ۱۸ ت ب ض ح	س	س ۱۸ ق ا ذ ب	س	س ۱۸ ع ش ث ت	س
۴۱۶		۴۱۵		۴۱۴		۴۱۳	
س ۱۸ ص ث ر	س	س ۱۸ ذ ف ش ع	س	س ۱۸ ث ف ش ع	س	س ۱۸ ش ق ی ش	س
س ۱۸ ف ث ق	س	س ۱۸ و ض ب ط	س	س ۱۸ ج ذ ا ح	س	س ۱۸ غ ص غ ی	س
۴۲۰		۴۱۹		۴۱۸		۴۱۷	
س ۱۸ ج ص ت ه	س	س ۱۸ ج ص ش ق	س	س ۱۸ ا ذ ش ص	س	س ۱۸ ظ ذ ش ف	س
س ۱۸ ع ج ز ک	س	س ۱۸ س ب ه ج	س	س ۱۸ ل ح د ا	س	س ۱۸ ط ز ج ط	س

باب الحکمین

[illegible][illegible]

باب الفاء

٤٥٢	٤٥١	٤٥٠	٤٤٩	
ف ٢٣ ر ش ب ٢٣ ز ح ف	ف ٢١ ر ش ح ٢١ و ز ي ج	ف ١٩ ر ش ث ١٩ و و ج ت	ف ١٧ ر ش ث ١٧ ز م ج	ف ١٥ ر ش ث ١٥ ز م ج
٤٥٦	٤٥٥	٤٥٤	٤٥٣	
ف ٢٥ ر ش ث ٢٥ م ل م	ف ٢٣ ر ش ث ٢٣ م ل م	ف ٢١ ر ش ث ٢١ م ل م	ف ١٩ ر ش ث ١٩ م ل م	ف ١٧ ر ش ث ١٧ م ل م
٤٦٠	٤٥٩	٤٥٨	٤٥٧	
ف ٢٣ ر ش ث ٢٣ م ل م	ف ٢١ ر ش ث ٢١ م ل م	ف ١٩ ر ش ث ١٩ م ل م	ف ١٧ ر ش ث ١٧ م ل م	ف ١٥ ر ش ث ١٥ م ل م
٤٦٤	٤٦٣	٤٦٢	٤٦١	
ف ٢٥ ر ش ث ٢٥ م ل م	ف ٢٣ ر ش ث ٢٣ م ل م	ف ٢١ ر ش ث ٢١ م ل م	ف ١٩ ر ش ث ١٩ م ل م	ف ١٧ ر ش ث ١٧ م ل م
٤٦٨	٤٦٧	٤٦٦	٤٦٥	
ف ٢٣ ر ش ث ٢٣ م ل م	ف ٢١ ر ش ث ٢١ م ل م	ف ١٩ ر ش ث ١٩ م ل م	ف ١٧ ر ش ث ١٧ م ل م	ف ١٥ ر ش ث ١٥ م ل م
٤٧٢	٤٧١	٤٧٠	٤٦٩	
ف ٢٥ ر ش ث ٢٥ م ل م	ف ٢٣ ر ش ث ٢٣ م ل م	ف ٢١ ر ش ث ٢١ م ل م	ف ١٩ ر ش ث ١٩ م ل م	ف ١٧ ر ش ث ١٧ م ل م
٤٧٤	٤٧٥	٤٧٤	٤٧٣	
ف ٢٥ ر ش ث ٢٥ م ل م	ف ٢٣ ر ش ث ٢٣ م ل م	ف ٢١ ر ش ث ٢١ م ل م	ف ١٩ ر ش ث ١٩ م ل م	ف ١٧ ر ش ث ١٧ م ل م
٤٧٨	٤٧٧	٤٧٦	٤٧٥	
ف ٢٥ ر ش ث ٢٥ م ل م	ف ٢٣ ر ش ث ٢٣ م ل م	ف ٢١ ر ش ث ٢١ م ل م	ف ١٩ ر ش ث ١٩ م ل م	ف ١٧ ر ش ث ١٧ م ل م

باب لسانی

۴۸۰	ص	۴۷۹	ص	۴۷۸	ص	۴۷۷	ص
۲۲ ش ت ر	ص	۲۲ ش ت ج	ص	۲۲ ش ت ج	ص	۲۲ ش ت ج	ص
۲۲ ز ح و	د	۲۲ ز ح و	ج	۲۲ ز ح و	ب	۲۲ ز ح و	ا
۴۸۱	ص	۴۸۲	ص	۴۸۳	ص	۴۸۴	ص
۲۲ غ ت خ	ص	۲۲ غ ت خ	ص	۲۲ غ ت خ	ص	۲۲ غ ت خ	ص
۲۲ ص ل ن	ح	۲۲ ص ل ن	ز	۲۲ ص ل ن	و	۲۲ ص ل ن	م
۴۸۵	ص	۴۸۶	ص	۴۸۷	ص	۴۸۸	ص
۲۲ ت ت ن	ص	۲۲ ت ت ن	ص	۲۲ ت ت ن	ص	۲۲ ت ت ن	ص
۲۲ م م ع	ی	۲۲ م م ع	ک	۲۲ م م ع	ل	۲۲ م م ع	ط
۴۸۹	ص	۴۹۰	ص	۴۹۱	ص	۴۹۲	ص
۲۲ ج غ ر	ص	۲۲ ج غ ر	ص	۲۲ ج غ ر	ص	۲۲ ج غ ر	ص
۲۲ ص ت ص	ن	۲۲ ص ت ص	س	۲۲ ص ت ص	ع	۲۲ ص ت ص	م
۴۹۳	ص	۴۹۴	ص	۴۹۵	ص	۴۹۶	ص
۲۲ ل ر ت خ	ص	۲۲ ل ر ت خ	ص	۲۲ ل ر ت خ	ص	۲۲ ل ر ت خ	ص
۲۲ ی ق ت ت	ص	۲۲ ی ق ت ت	ق	۲۲ ی ق ت ت	ز	۲۲ ی ق ت ت	ف
۴۹۷	ص	۴۹۸	ص	۴۹۹	ص	۵۰۰	ص
۲۲ ق ش خ ج	ص	۲۲ ق ش خ ج	ص	۲۲ ق ش خ ج	ص	۲۲ ق ش خ ج	ص
۲۲ ت خ ظ و	ت	۲۲ ت خ ظ و	ث	۲۲ ت خ ظ و	خ	۲۲ ت خ ظ و	ش
۵۰۱	ص	۵۰۲	ص	۵۰۳	ص	۵۰۴	ص
۲۲ ظ ت خ ت	ص	۲۲ ظ ت خ ت	ص	۲۲ ظ ت خ ت	ص	۲۲ ظ ت خ ت	ص
۲۲ و ا ج ب	ض	۲۲ و ا ج ب	ظ	۲۲ و ا ج ب	ل	۲۲ و ا ج ب	س

باب الفاف

٥٠٨	٥٠٧	٥٠٦	٥٠٥
ط ت خ م ق د و م	م ط خ ٧ د ل ح ٧	ق ك ت خ م ب ت ه ز ع	ق ك ت خ م ب ت ه ز ع
٥١٢	٥١١	٥١٠	٥٠٩
ق ش ا خ م ح ي ص م	٢٧ ا خ م ٢٧ ف ل م	ق ٢٥ ا خ م و ٢٥ ع ك ح	ق ٢٥ ا خ م و ٢٥ ع ك ح
٥١٦	٥١٥	٥١٤	٥١٣
ق ا ث خ ٧ ل ت ع ص ٢	ق ط ث ذ ع ق س ف م	ق ك ح ج ت ذ م ي ع ع م م	ق ك ح ج ت ذ م ي ع ع م م
٥٢٠	٥١٩	٥١٨	٥١٧
ق ط ا ذ م ع و ص ت ت	ق ز ا ذ ب س ج ذ ش ض	ق ه ت ذ خ ن ع ف ر ق	ق ه ت ذ خ ن ع ف ر ق
٥٢٤	٥٢٣	٥٢٢	٥٢١
ق ف ش ض م ر ص ت ط م	ق س ش ض م ق س ش ض م	ق م ش ذ ب ص ل ر خ ا	ق م ش ذ ب ص ل ر خ ا
٥٢٨	٥٢٧	٥٢٦	٥٢٥
ق ذ ت ض م ب ط ج م	ق ث ت ض خ ظ م ب ن ع	ق ش ا ض م ت خ ا م	ق ش ا ض م ت خ ا م
٥٣٢	٥٣١	٥٣٠	٥٢٩
ق ه ث ط م ن د ح م	ق ج ث ض ب ل ج و ي	ق ا ش ض م ح خ ه م	ق ا ش ض م ح خ ه م

باب السلا

٥٣٦		٥٣٥		٥٣٤		٥٣٣	
ر س غ ف ت	ر	ر م غ و ه	ر	ر ك ت ذ ه	ر	ر ط ب ك ذ ه	ر
د ظ ل ط و	د	ج خ ك ح ٩	ج	ب ش ل ز ه	ب	ب ص ك و ه	ا
٥٤٠		٥٣٩		٥٣٨		٥٣٧	
ر ش ب ذ ح	ر	ر ش ب ذ ح	ر	ر ق ب ذ ح	ر	ر ف ب ذ ح	ر
ط ص م ل	ح	ز ح ق ل س	ز	و ه ع ك ه	و	ب س ي ل	ه
٥٤٣		٥٤٢		٥٤١		٥٤٠	
ر اخ ض ٩	ر	ر ط اخ ض ٩	ر	ر ذ ت ض ٩	ر	ر ث ت ذ ه	ر
ل ش ع ص ٩	ل	ل ض س ف ٩	ل	ي س ل ع ٩	ي	ط ل ك ن ع	ط
٥٤٦		٥٤٥		٥٤٤		٥٤٣	
ر ط ب ض غ	ر	ر ز ب ض ه	ر	ر ه ت ض ط	ر	ر ج و ب ه	ر
ه ض ت ح	ع	س ب ذ ش غ	س	ن ظ ف ر ش	ن	م خ ث ق ك	م
٥٥٢		٥٥١		٥٥٠		٥٤٩	
ر ف ت ظ ٩	ر	ر س ت ظ ٩	ر	ر م خ ض ه	ر	ر ك ت ض خ	ر
ف ت ظ ٩	ر	ق ن ش ض ٩	ق	ص ل ت خ ج	ص	ف ح ق ت ش	ف

٥٥٦		٥٥٥		٥٥٤		٥٥٣	
ر ذ ث ظ ه	ر	ر ث ث ظ ط	ر	ر ش ب ظ ت	ر	ر ق ب ظ ٩	ر
ا ظ ج ط	خ	ث ض ب ب	ث	ت ا ت ذ ا خ	ت	ر ج ع ٩	ا
٥٥٩		٥٥٨		٥٥٧		٥٥٦	
ر م خ غ ٩	ر	ر ج خ ظ ه	ر	ر ا ت ظ خ	ر	ر ظ ت ظ غ	ر
م د ح ٩	غ	ظ ي ج و ل	ظ	ض ز ع ه ب	ض	د ظ ذ ه	د

باب الثَّابِتِ

٥٦٤	٥٦٣	٥٦٢	٥٦١
سرخ ض طو ض ح ط ط	ش د	مخض و ث ك ح ع	ش ب
٥٦١	٥٦٧	٥٦٦	٥٦٥
سرخ ض غ ش ي ي م ك	ش ح	ش ز	ش و
٥٧٢	٥٧١	٥٧٠	٥٦٩
ا ح ط غ و ر ش ص ض ذ	ش ل	ش ك	ش ي
٥٧٤	٥٧٥	٥٧٤	٥٧٣
ش م	ش س	ش س	ش م
٥١٠	٥٧٥٩	٥٧٥١	٥٧٧
ش ف	ش ق	ش ص	ش ص
٥١٤	٥١٣	٥١٢	٥١١
ش ش	ش ث	ش ث	ش ث
٥١١	٥١٧	٥١٦	٥١٥
ش ذ	ش ط	ش ض	ش ج

باب الثناء

٥٩٢	٥٩١	٥٩٠	٥٨٩
ت ط ظ ظ ذ	ت م ض ظ ظ	ت ل ظ ظ خ	ت ع ي و ث
٥٩٤	٥٩٥	٥٩٦	٥٩٣
ت ش ظ ظ ذ	ت س ح ر ذ	ت ق ط ظ ب	ت ف خ ظ خ
٥٩٧	٥٩٨	٥٩٩	٦٠٠
ت ذ د ظ ظ خ	ت ا ذ خ ح	ت ا ذ غ ظ	ت ل ق ن ك
٦٠١	٦٠٢	٦٠٣	٦٠٤
ت ج خ غ ج	ت ز ه غ ج	ت غ ق س ش	ت ط ص غ خ
٦٠٥	٦٠٦	٦٠٧	٦٠٨
ت ل ذ غ ز	ت س ذ ا	ت ر ف ذ ا	ت م ذ غ خ
٦٠٩	٦١٠	٦١١	٦١٢
ت ق ض ا ظ	ت ش ض ا ج	ت ث ض ا خ	ت ذ ض ا ب
٦١٣	٦١٤	٦١٥	٦١٦
ت ظ ظ ا ظ	ت ا ظ ا ب	ت ج ظ ا خ	ت ه ظ ب
٦١٧	٦١٨	٦١٩	٦٢٠
ت ب ب د ص	ت ه ج ه ط	ت ح ب و ا	ت ل ج ح

باب الثا

ط ظ غ خ	ت ب	ك ظ غ ب	ث ج	ص ع هـ	ث د	س ج غ خ
س ج غ خ	ب	ص د ز ط	ج	ش خ ح م	د	خ ل ط و
٦٢١	٦٢٢	٦٢٣	٦٢٤	٦٢٥	٦٢٦	٦٢٧
ث ف هـ غ خ	ث و	ث ب ك ق ز	ث ش ط غ ح	ث ح	ث ت ب غ خ	ث س ج غ خ
ظ ا ح ي ص ل	ب ك ق	هـ ك ل ر	ح	ح	ح ك م	ح ك م
٦٢٨	٦٢٩	٦٣٠	٦٣١	٦٣٢	٦٣٣	٦٣٤
ث ذ هـ غ خ	ث ي	ث ط ا ب	ث ف ش ف ا ب	ث ل	ث ج هـ ا ب	ث ر ت ص
ك ق ن	ب ك ق	ن ر ع س	ف ش ف ا ب	ل	ج هـ ا ب	ر ت ص
٦٣٥	٦٣٦	٦٣٧	٦٣٨	٦٣٩	٦٤٠	٦٤١
ث هـ ا ب	ث ن	ث م ط ا ب	ث س	ث ط ا ب	ث ع	ث ب ص ت
ك ق س	ن	م ط ا ب	س	ط ا ب	ع	ب ص ت
٦٤٢	٦٤٣	٦٤٤	٦٤٥	٦٤٦	٦٤٧	٦٤٨
ث ا ب	ث ص	ث م غ ا ب	ث س ض ب غ	ث ر	ث ف ص ب ب	ث ن ت ظ
ك ق	ص	م غ ا ب	س ض ب غ	ر	ف ص ب ب	ن ت ظ
٦٤٩	٦٥٠	٦٥١	٦٥٢	٦٥٣	٦٥٤	٦٥٥
ث ا ب	ث ت	ث ش ط ب	ث ت	ث ط ا ب	ث خ	ث ز ط ب ح
ك ق	ت	ش ط ب	ت	ط ا ب	خ	ز ط ب ح
٦٥٦	٦٥٧	٦٥٨	٦٥٩	٦٦٠	٦٦١	٦٦٢
ث ا ب	ث ت	ث ا ب	ث ض	ث ج غ ب ح	ث ظ	ث ج غ ب ح
ك ق	ت	ا ب	ض	ج غ ب ح	ظ	ج غ ب ح
٦٦٣	٦٦٤	٦٦٥	٦٦٦	٦٦٧	٦٦٨	٦٦٩
ث ا ب	ث ت	ث ا ب	ث ض	ث ج غ ب ح	ث ظ	ث ج غ ب ح
ك ق	ت	ا ب	ض	ج غ ب ح	ظ	ج غ ب ح
٦٧٠	٦٧١	٦٧٢	٦٧٣	٦٧٤	٦٧٥	٦٧٦
ث ا ب	ث ت	ث ا ب	ث ض	ث ج غ ب ح	ث ظ	ث ج غ ب ح
ك ق	ت	ا ب	ض	ج غ ب ح	ظ	ج غ ب ح

باب الحاء

٦٤٨		٦٤٧		٦٤٦		٦٤٥	
سظا د ثظا ل	خ	م داغ ر ح ح ج	خ	ك ظا ط ف ه ز س	خ	ط ا م ن ه و ح ل ب	
٦٥٢		٦٥١		٦٥٠		٦٤٩	
ث نج اظ = ز ل م ك ه	خ	س ح ا ظ د ط ل ه	خ	ق ط ا ط ا ط ك ق	خ	ف ظ ا ط ض ح و ح ص	
٦٥٤		٦٥٣		٦٥٢		٦٥١	
ج و ب غ ق ت ص ع	خ	ا و ب ط ع ش ف خ	خ	ظ ط ب ص م م ع ل	خ	ذ ظ ا غ ي ل ن م	
٦٦٦		٦٦٥		٦٦٤		٦٦٣	
ط ض ب ض ا ص ت ص	خ	ط ض ب ط ع ف ش ع	خ	ن ز غ ب ه ن ح ر ب ط	خ	م غ ب ص ن ف ق ش	
٦٦٦		٦٦٥		٦٦٤		٦٦٣	
ف ظ ج ط م ث ظ ه	خ	س ظ ج ن ي ت ص ب	خ	م ط ب غ ز ش خ ت	خ	ك و ب ظ د ط ث ر	
٦٦٨		٦٦٧		٦٦٦		٦٦٥	
ذ غ ج ط ذ غ ج ط	خ	ث غ ج ط ت ظ ب ح	خ	س غ ج ن ق م ا ب	خ	ق غ ج غ ع ذ غ ن	
٦٧٣		٦٧٢		٦٧١		٦٧٠	
م ا د ه ز ط ه ح ب ر	خ	ج ا ج غ و د و ج	خ	ا ط ج ظ ج ح م ا	خ	ظ ط ج ص غ ح د ط	

بَابُ الدَّالِ

٦٧٦	٦٧٥	٦٧٤	٦٧٣	
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
س ب ز	م ب ج	ل ظ ب هـ	ط غ ب هـ	ا م د و ز
ت ط ز ح	ج ق خ ح ع	ع هـ ز ح	ب	
٦٨٥	٦٨٩	٦٧٨	٦٧٧	
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ث ز ب	ش ز ب	ق ز ب	ف ز ب	م
و ص م ل	ج ق ل	غ ع ل	و غ ع ل	
٦٨٣	٦٨٤	٦٨٣	٦٨٢	
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ج ظ ج ح	ا ظ ج هـ	ظ ظ ج ج	ن ظ ب	ط ا ت ن م ن
ص ن ص ث	ل س م ف	ل ن ع ع	ي	
٦٨٨	٦٨٧	٦٨٦	٦٨٥	
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ك غ ج ع	ط غ ج ظ	ز غ ج ي	غ ج غ	م
ب هـ ق	ظ هـ ش ف	ن خ ف ر ظ	ش ع ق ع	
٦٩٣	٦٩٢	٦٩١	٦٩٠	
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ف ظ د م	س ظ د ج	م ا ج ب	م ا ج ل	م ش ث ش ص
ل ي خ ط ع	ط ش ض ن	و ت خ ص	ص	
٦٩٤	٦٩٥	٦٩٤	٦٩٣	
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ذ ع د ظ	ث غ د ي	ش ب د ب	ق ب د ح	ش
خ ط ج ض	ش ص ب ح	ر ط ا ظ	ت	
٧٠٤	٦٩٩	٦٩٨	٦٩٧	
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
م هـ ج	ج هـ د ب	ا ج د ا	ظ ج د ع	ن
ح ح و	م هـ و ن	ب د هـ ب	ص	ن

بَابُ الصَّنَائِ

٧٠٤	ض	ط ا ج ع	ض	ك ا ج ب	ض	م ج ج هـ	ض	س ج ج ل	٧٠٤
٧٠٥	ا	ل د و ح	ب	س هـ ز و	ج	ص ح ح ي	د	ش ط ط ف	٧٠٥
٧٠٦	ض	ف غ ج ع	ض	ق ح ج ا	ض	ش ح ج ب	ض	ث ح ج هـ	٧٠٦
٧٠٧	هـ	خ ز ي هـ ز	و	ظ ع ك ط	ز	ب ف ل ك	ح	هـ ص م م هـ	٧٠٧
٧٠٨	ض	ذ ع ج هـ	ض	ظ غ د ع	ض	ا غ د ب	ض	ج غ د هـ	٧٠٨
٧٠٩	ط	ح ك ن ح ي	ي	ك ل ع هـ	ك	ن م ف س	ل	ف ن ص ق	٧٠٩
٧١٠	ض	هـ ا د ل	ض	ز ا د ع	ض	ط ح د ا	ض	ل ح د ب	٧١٠
٧١١	م	ر ع ق ص	ن	ث ف ر ع	س	ض ذ ش ص	ع	ا ص ت ث	٧١١
٧١٢	ض	م ب د ج	ض	س ب د هـ	ض	ف غ هـ ع	ض	ف غ هـ ب	٧١٢
٧١٣	ف	د ش ث ت	ص	ز ت خ خ	ق	ي ش ض ش	ر	ك ت ظ خ	٧١٣
٧١٤	ض	ق ج هـ م	ض	ش ج هـ ل	ض	ث ا ب غ	ض	ذ ا م ل	٧١٤
٧١٥	ش	ن ص غ غ	ت	ف ظ ا ن	ث	ر ح ب ن	خ	ث ط ج ص	٧١٥
٧١٦	ض	ظ د هـ ب	ض	ا د هـ ج	ض	ج ب هـ د	ض	هـ م و ع	٧١٦
٧١٧	ز	ض ج د ا	ض	ا د هـ ج	ظ	و ح و هـ	ع	ز ج ح ب	٧١٧

باب الظاء

٧٣٣	ظ	٧٣٤	ظ	٧٣٥	ظ	٧٣٩	ظ
سب ددا رن ط ط و	ظ	م د د ل ف ح ح ع	ظ	ل د د ل ن ز ب س ج	ظ	ط د د ي ل و و ل ب	ظ
٧٣٦	ظ	٧٣٥	ظ	٧٣٤	ظ	٧٣٣	ظ
ث ط ي هـ د ص م م ن	ظ	س ط د د ا ف ل ل	ظ	ق ط د هـ ض ع ل ك ي	ظ	ف ط د ب ث س ي ي خ	ظ
٧٤٥	ظ	٧٣٩	ظ	٧٣٨	ظ	٧٣٧	ظ
ج ا هـ ل ع ن ص ص خ	ظ	ا ا هـ ل م ف خ	ظ	ظ ا هـ ي ي ل ع ش ر	ظ	ز ا د هـ و ز ل ن ع	ظ
٧٤٤	ظ	٧٤٣	ظ	٧٤٢	ظ	٧٤١	ظ
ل ب م د غ ف ث ش ر	ظ	ط ب هـ ج ز خ ش ق	ظ	ز ب هـ ب ت ف ر ف	ظ	ط م ا ق ث ق س	ظ
٧٤٨	ظ	٧٤٧	ظ	٧٤٦	ظ	٧٤٥	ظ
ق ج و ل ل خ ظ د	ظ	ف ج و ي ط ث ص ب	ظ	س ا هـ و و ر خ ز	ظ	م هـ هـ هـ ج ي ث ث	ظ
٧٥٣	ظ	٧٥٢	ظ	٧٥١	ظ	٧٥٠	ظ
ذ د و ج ت ا ج ع	ظ	ث د و ب ع ب ض خ	ظ	ش ي و ا ع ي ط ا خ	ظ	ش ي و ل س ي ع و	ظ
٧٥٦	ظ	٧٥٥	ظ	٧٥٤	ظ	٧٥٣	ظ
هـ هـ ز ي و و ح ل	ظ	ج م و و ج م و و	ظ	ا خ و م غ ي هـ هـ	ظ	ظ هـ و د ز هـ د ب	ظ

بَابُ الْغَبْنِ

٧٥٨	ع	ط ه و ه ٢	ع	ك ه و ع	ع	م ج و ه ٧	ع	٧٥٩	ع	س ج و ل ١١	٧٥٨
٧٥٨	ب	م ز ه ٢	ع	م ز ح ع	ج	ع و ط م ٧	د	٧٥٩	ع	ق ز ي ع	٧٥٨
٧٥٨	ع	ف ي و ه	ع	ق ي و ك	ع	ش ي و ط	ع	٧٥٩	ع	ث ي و س	٧٥٨
٧٥٨	و	ت س ك ي	ع	ذ ع ل ف	ع	ع ف ن ع	ح	٧٥٩	ع	ج ص ن ي	٧٥٨
٧٥٨	ع	ز ب و ك	ع	ظ ب ز ه	ع	ا ب ز ع	ع	٧٥٩	ع	ج ب ز ٧	٧٥٨
٧٥٨	ي	و ك س م	ع	ط ل ف ك	ك	ل م ص ع	ل	٧٥٩	ع	س ن ق ٧	٧٥٨
٧٥٩	ع	م ج ز ه	ع	ز ح ز ه	ع	ط ج ز ك	ع	٧٥٩	ع	ك ج ز ه	٧٥٨
٧٥٩	ن	ص ع رض	ع	ش ش م س	ع	خ ص ت ض ع	ع	٧٥٩	ع	ظ ق ث	٧٥٨
٧٥٩	ع	م ب ز ه	ع	س د ز ه	ع	ف د ح ٢٣	ع	٧٥٩	ع	ق د ح ٢٣	٧٥٨
٧٥٩	ص	ب ش خ ن	ع	ه ت ذ ن	ع	ح ث ظ ٢٣	ر	٧٥٩	ع	ك خ ع	٧٥٨
٧٥٩	ع	ش ح ٧	ع	ث ج ه ١١	ع	ذ ج ح ه	ع	٧٥٩	ع	ز ه ح ل	٧٥٨
٧٥٩	ت	ن ص ٧	ع	ف ظ ب ١١	ع	رض ج ع	خ	٧٥٩	ع	ش ا د ن	٧٥٨
٧٥٩	ع	ظ و ح و	ع	ا و ح ب	ع	ج و ح ل	ع	٧٥٩	ع	ه و ط ٢	٧٥٨
٧٥٩	ع	خ ج ه ج	ع	ظ و ع	ع	ب ه ز ي	ع	٧٥٩	ع	ه و ط ٢	٧٥٨

توضیح بعد از توضیح

پیوست با پنجه در مقدمه گذشت برای اینکه خوب روشن شود و در وقت عمل سرگردان
نمایند بدانکه بعد از گرفتن حروف سؤال بعدد کپی که جلی که از آن بقیه میشود برقم حروف
عدد حروف سؤال را با بعد کپی جمع کن حاصل جمع مدخل کپی گرفته میشود بعد از آن حروف
سؤال و جمع رقم را تنزل بده و این تنزل عدد در رقم را عدد مدخل صغیر بنمایند

و بعد از آن عدد هر باب از ارقام حروف را بدون عدد مدخل رقم حروف
بیکر شبه ترقی بده لکن رقمها بنکه در مدخل صغیر تنزل داده ای بحالت قبل
از تنزل باقی گذار یعنی اگر ثبات بوده بحالت ثباتی قبل و اگر عشرات بوده
بحالت عشراتی قبل که بوده آنها را هر کدام ترقی بده و اگر رقمی است که قابل
تنزل نباشد مانند الف ترقی بده آنرا و عدد آن که بکست ده حساب کن بعد
آن مدخل عدد صغیر را با مدخل عدد وسط جمع کن حاصل جمع ایندو را مدخل
کپی بنمایند بعبارة دیگر وسط عددی است که بیکر شبه تنزل داده باشی عدد ارقام
حروف را وسطی از عدد تنزل بنویسی بدون تنزل دادن عدد رقم مدخل حروف
و حاصل جمع همان اعداد را که مدخل صغیر است بدون رقم تنزل حروف بیکر شبه ترقی
بدی محتاج بطرح جدا گانه نیست

نکته دیگر اگر در آخر حروف مستنطقه بعد از مدخل سه حرف مانند حرف
سوم بلنها می ماند بدون اینکه اتصال بحرف دیگر پیدا کند باید حرف سوم را
با حرف دوم از سه حرف باقی مانده با اتصال اربعه مستخضره بگیری چنانچه اصل فن
باین نحو عمل کرده اند

نکته دیگر اگر عدد طرح اتصال کلی قابل طرح درجی نباشد بطرح بروجی بر
مانند اتصال ن و ب مثلاً در همین ذوع و در وقت محصله گرفتن از چنان
حرف مستخضره پس از آنکه بطرح منازلی بر دی همان عدد طرح شده یعنی بد طرح

با یک طرح که از اتصال کلی طرح شده و قابل طرح منازلی نبوده بر بقیه عدد
مستخضر علاوه کن و بطرح منازلی بر چنانچه در اتصال زودع این احتیاج
را پیدا میکنی

نکته دیگر در جائیکه محتاج بتلافی است اولاً عدد چهار حرف مستخضر را باید
گرفت و بطرح منازلی برد پس آنچه بعد از طرح باقی ماند عدد طرح را بر این
عدد باقی بفرز و تلافی کن

نکته دیگر که تجربه شده در اتصال مخالف عنصري عدد توالی الحرف را اولاً
و عدد عدم توالی آنرا ثانیاً اگر بطرح نرسید نعم المطلوب و اگر نرسید
عدد توالی و عدم توالی هر دو را با هم جمع میکنیم و بطرح افلاکی میبریم و اگر با
بطرح نرسد بسا بر طروح که در اینجا مقصود است از طرح کوکبی یا عنصري یا فلکی
عدد بیکه حاصل شده حرف آنرا بگیر و بعد از مستخضر هنگام مستخضر گرفتن
تلافی آن طرح فوت شده را بنما

نکته دیگر در اتصال مخالف عنصري اگر بتوالی بروی و طرح کردی بفاعد
جواب ناطق نشد از عدد توالی و عدم توالی هر دو جمع کن اگر بطرح نرسد
طرح کن و اگر بطرح نرسد از همان عدد حرف بگیر و بعد در وقت مستخضر
گرفتن تلافی کن که ناطق شود در هر حال ملاحظه نطق را باید کرد
نکته دیگر اگر عدد دو حرف مخالف بطرح فلکی رفت و ناطق نشد بعد از تمام

مستحصله بطرح هفت که طرح کوکی است بروندانی کن در هر سمتی که مابه التماس
دارد و اگر باز ناطق نشد هر عدد بکه از همین عنصر مخالف ولو کمتر از هفت هم
باشد جمع باید کرد و حرف گرفت و در مستحصله گرفتن ثلاثی کن و از مطلوب
سپرده ناطق شود

نکته دیگر اگر در دو حرف اتصال از هر یک از چهار حرف دو ثلاثی لازم
داشته باشد میتوانی یک ثلاثی در این چهار حرف قرار دهی و یک ثلاثی در
چهار حرف دوم ناطق شود

نکته دیگر اگر عدد مابه التفاوت از یکم باشد انرا اخذ باید کرد و اگر
ندارد دارد ندارد میکنی و از آن حرفیکه تفاوت دارد بقیه مابه التفاوت را
همان عدد از حرف مطلوب سپرده می مستحصله از مطلوب میگیری چنانچه
مثلا اگر د باز اتصال پیدا کرد و همچنان هر دو حرفیکه مثل این دو حرف باشد
در آن همین عمل را باید بکنی

نکته دیگر در جمع اتصال عنصری موافق و مخالف فاعداست که اگر عدد
مرتبه دو حرف قابل طرح دیگر هست از کوکی با عنصری بطرح دیگر باید بود و الا
عدد و ما قبل یا ما بعد را علاوه کن و بطرح ببر و در مستحصله ثلاثی کن
نکته دیگر اگر در اتصال احاد و مئات یا احاد و آلاف از هر دو سمت مابه التفاوت
نداشته باشد و از یکم داشته باشد همان یکم را میگیریم مانند ذوز

وامثال آن و علاوه میکنیم و اگر هیچ تفاوتی ندارد از هم همان را میگیریم
نکته دیگر گاهی اتفاق می افتد من غیر غالب که در اتصال احاد و مئات در صورت
اتصال مراتب جملی بعد از اضافه مابه التفاوت اگر داشته باشند در آخر طرح
از مستحضر باید از آخر مطلوب احاد شروع در شمردن نمائیم محصله بگیریم مثلاً
مانند ت و ط که موانع در طبع با هم و اگر در حرف صد و نقیض باشد مانند
د و ش و غیر آن خلاف این فاعله باید رفتار شود

نکته دیگر هرگاه در حرفیکه با هم متصل شدند مانند ز و ع باشد که عدد
اتصال عنصري ز و ع شش عدد است و قابل طرح افلاکی نیست باید هفت عدد
ما قبل ز و ع را گرفت و بعده عنصري ز و ع افزود تا جمعا سیزده شود پس
نه از آن طرح میکنیم چهار باقی میماند حرف از را میگیریم و در محصله ثلاثه میکنیم
با این کیفیت که عدد مطلوب ع ۴ میشود ثلاثه اتصال عنصري که هفت عدد از
ما قبل آن گرفته و طرح کردیم این هفت عدد طرح شده را بر عدد حاصل مطلوب
ع که ۴ است اضافه میکنیم مجموعاً ۲۳ عدد میشود پس از همان خانه ۲۳ محصله
میگیریم ثلاثه هفت عدد بکه فرض کردیم از ما قبل ز و ع با این کیفیت در وقت
محصله گرفتن اداء میکنیم و محصله میکنیم

نکته دیگر که تجربه رسیده اگر عدد مستحضر از بیست هشت کمتر باشد مانند مستحضر
ع و ط که از ۲۱ میشود جواب ناقص میشود البته در صورتی باید تغییر بدی

و تصرف اسناد آنه کنی تا ناطق شود و درص ذ که عدد مخفی از ۲۸ کمتر
است همان عدد بیست و هشت را باید بطبق بیآوری احتیاج بخرج افلاکی
و کوکی بیست و عدد کوکی را بناید علاوه کرد فقط همان عدد ۲۸ را بجز
هر چند بطرح منازلی نرفته برخلاف فاعده برای مناسبت تحقق

نکنه دیگر اگر عدد مخفی معادل یک طرح منازلی نباشد که ۲۸ باشد و با
عدد طرح کوکی باشد یعنی طرح افلاکی فوت شده باشد آن عدد کوکی را
بناید بیست و هشت علاوه کرد بلکه همان عدد بیست و هشت فقط بخرج
ببر بدون علاوه کردن عدد کوکی تا تلاقی شود چنانچه در مسخه گرفتن از
عدد مخفی و بی این عمل نوزده میشود

نکنه دیگر در اتصال مراتب جمعی اگر عدد هر دو قابل طرح بروچی نباشد عدد
ما قبل را بر آن مضاف کنیم گرچه عدد ما قبلش بعد از طرح همان ۱۲ میباشد مانند
حرف ط و در ایض که ما قبل ۳۶ است ۳۶ را که ۱۲ طرح کنیم همین ۱۲ میباشد
و این فاعده در اتصال غ و ط هم جاری است نه اینکه بگوئیم حال که عدد ما
قبل بعد از طرح بروچی چیزی نمیمانند پس عدد خود دو حرف را بدون عدد
ما قبل بطرح دیگری ببریم و همچنین است در اتصال دو حرف غ و ی

نکته دیگر در اتصال دو حرف م و ن که فاعله طرح بروچی و افلاکی که فاعله
کلبه است بهم میخورد و رفت مسخره گرفتن که باید نداشت شود چون در هر دو
اتصال طرح کوچی حاصل میشود یعنی بدو طرح کوچی میرود بک طرح کوچی بر
حاصل طرح عدد مطلوب هر دو باید افزوده نه دو طرح
نکته دیگر در حروف مسخره اگر محتاج باشم ثلثی درجی مثلا وعدا اتصالا
مراتب جمعی هر دو وعد در حروف مسخره ۴۲ باشد مثلا و قابل ثلثی نباشد
میتوانی همان عدد ۴۲ را بدون ثلثی و طرح حرف بگیری ناطق میشود
نکته دیگر در اتصال مراتب جمعی عشرات باحاد چون اتصال ن و ب اگر قابل
طرح نباشد بهر طرح که فاعله کلبه تفاضا دارد میبریم یعنی پیش از علا و کرب
عدد ماقبل آن حرف اگر قابل این هست که بطرح دیگر ببریم میبریم و اگر قابل
نیست عدد حرف ماقبل را میافزاییم و بطرح میبریم و اگر ماقبل ندارد عدد ما
بعدش را یعنی همه ما بعد که ۲۷ است چنانچه در اتصال عنصری اسفل میشود در
این اتصال هم میبریم و به آن میافزاییم چون در اتصال عنصری فاعله این بود که
اگر عددین دو حرف قابل طرح نباشد و ماقبل هم نداشته باشد یا داشته باشد و یا
قابل طرح نباشد عدد ما بعد را بر او میافزاییم تا قابل طرح شود و بعد ثلثی میکنیم
در این اتصال جمعی هم همین عمل را باید انجام داد چنانچه در ب ب در جدول
گذشت

نکته دیگر در اتصال قات و عشرات که عدد مطلوب قابل طرح منازلی باشد
 چون ض و ص که عدد مطلوب ض ۱۹ است و قابل طرح منازلی نیست و هیچ
 طرحی برده نمیشود همان عدد را باید نگاه داشت و عدد مطلوب ص را باید
 بطرح منازلی برده حاصل طرح پنج میباشد و آن فرد است و عدد ۱۹ هم فرد است
 و عدد ۱۹ بیشتر از آن است و بطرح نرفته لذا مسئله هر دو را از عدد مطلوب
 ض میگیریم

نکته دیگر بعد از نظره ابجدی گرفتن سطر مستحصره سطر آخر که سطر جواب است
 منصوب و مقلوب خوانده میشود صدر و مؤخر نمیشود یعنی از حرف اول طرف
 راست بک حرف نهم بک حرف تا آخر سطر حرف گرفته میشود و بعد از آخر سطر باز یک حرف
 بک حرف گرفته میشود جواب ناطق واضح داده میشود بهر زبانی که سؤال شده از
 عربی یا فارسی یا ترکی یا هندی یا رومی و غیر اینها

مخفی ننماید بر خواننده اگر اهل انصاف باشند پوشیده نخواهد ماند که تاکنون احد
 از اهل این فن این فاعده شریفه که فاعده جفر جامع و نور لامع است این روشنی و
 واضحی بدون هیچگونه رمزی نوشته و پرده بر نداشته است که این بنده شرمند فانی
 حسن مبرجهانی طباطبائی محمد ابادی جَرَفُوتِ اصفهانی دُفاه الله عن التَّوَانِی خیر بره
 و رمز نوشته ام و ذلك فضل الله يؤتی من یشاء والله ذو الفضل العظیم و امیدوارم
 که خواننده و داننده و فائده برنده این رساله گنه کار را از دعا خیر فراموش نفرماید

"انرا طرح میکنم نه باقی میباشد از حرف کاف که حرف اخر چهار حرف مستخرغ است
در دایره ابجد نه حرف می شماریم بحرف ش می رسد ان حرف مستخرغ حرف ظ است
پس مستخرغ در دایره ابجد حرف ث و مستخرغ در همان دایره حرف ث است
پس بدان در هر کجا که حرف ظ با غ اتصال کرد مستخرغ ث و مستخرغ ط است
این در صورتی است که غ مقدم بر ظ باشد و اما اگر ظ مقدم بر غ شد حکم فرق
میکند برای اینکه خوب نفهمی و اشتباه نکنی مستخرغ ط و غ را که عکس مستخرغ غ و ط
است بیان میکنم تا خوب مطلب واضح شود بدانکه هر کجا ظ با غ متصل شد یعنی
ظ مقدم بر غ شد مستخرغ ط ه ه ی ی و مستخرغ غ و و ح ح
می شود چهار حرف مستخرغ حاصل جمیع در دایره ابجد چهل میشود بر حسب عده
کلیه انرا بطرح منازلی می رسم دو ازده باقی میباشد از حرف کاف که اخر چهار حرف
مستخرغ است در دایره ابجد دو ازده حرف می شماریم بحرف خ می رسد که ان مستخرغ
حرف ظ میشود پس عدد چهار حرف مستخرغ حرف ظ را نیز بحساب ابجد می جمع میکنم
بست هفت میشود چون قابل طرح منازلی نیست و ناچاریم از طرح انرا طرح بروی
یعنی ۱۲ طرح میکنم سه باقی میباشد از بعد حرف ی که چهارم حرف مستخرغ ط
است در دایره ابجد سه حرف می شماریم حرف چهارم که ن است مستخرغ غ است
و بر همین بناس است مستخرغ گرفتن هر دو حرف که با هم اتصال پیدا میکند

تجسیر

هرگاه دو حرف مماثل با هم متصل شد چهار حرف مستحضر هر دو نیز مماثل است بدون کم و زیاد و دو حرف مستحضر هر دو نیز مماثل است هیچ وجه تفاوتی ندارد مثلاً اگر عین با عین متصل شد چهار حرف مستحضر هر کدام ط ق ی بی ق است بدون اختلاف که برای محصله گرفتن این چهار حرف را با بجد بگیریم حاصل جمع آن پاضد و نه میشود بطرح منازلی میسریم پنج عدد باقی میماند از خانه فاف که حرف چهارم است در دایره ابجد پنج حرف میثماریم حرف ششم که ذ است محصله هر کدام میشود باقی حروف مماثل را بهین نحو قیاس کن بی هر کدام از دو حرف مماثلی که در وقت گرفتن مستحضر بطر و حیکه باید برود نرفته وقت محصله گرفتن تلاقی طرحیانی که نرفته باید بود و بعد از آن محصله گرفته شود

انکال

مستحضر هر دو حرفیکه با هم متصل شد از دو حال بیرون نیست یا در وقت محصله گرفتن تلاقی دارد بواسطه طرحی یا طرحیانی که باید برود و نرفته بطلت قابل طرح نبودن یا آنکه طبق قاعده بطر حیکه باید برود نرفته و تلاقی ندارد باید عامل متوجیه باشد که کدام یک از این دو قسمت است اگر احتیاج بتلاقی ندارد و میخواهد محصله دو حرف متصل را بگیرد قاعده اینست که اول چهار حرف مستحضر حرف دوم را بچنان ابجد بگیر جمع کند و ۲۱ ۲۱ حاصل جمع را طرح کند آنچه باقیماند نظر کند که حرف آخر این چهار حرف چه حرفی است از بعد از حرف در دایره ابجد حرف بیثمارد بیند که چه حرفی است همان حرف مستحضر است و باید در زیر حرف ستاری آن بنویسد.